



تظاهرات بزرگ

پناهندگان اعتصابی شهرهای بایرن در نورنبرگ - آلمان غربی

شرکت کننده داشت، بارد یگربرسه خواست فوق پای فشرده، با افشای جنایات جمهوری اسلامی و افشای سیاستهای غیرانسانی دولت آلمان، مردم شهر را در جریان شرایط بسیار نامناسب زندگی خویش قرار دادند. تلویزیون بایرن که تا بحال توانسته بود در مورد اعتصاب طولانی مدت و متحد شهرهای ایالت سیاست سکوت را پیش ببرد، مجبور شد تظاهرات پناهندگان را منعکس کند. پلیس و مقامات ایالتی که از اتحاد و همبستگی شوراهای پناهندگان بوحشت افتاده بودند، بعد از تظاهرات، تلاش کردند ساکنین هایم موگند ورف بقیه در صفحه ۹

پناهندگان شهرهای "کوبورک"، "باد کیستگ" "موگند ورف"، "نورنبرگ" و... که از تاریخ ۱۸ / ۵ / ۸۷ حول سه خواست خویش، دریافت پول نقد بجای جیره غذا، "انتقال زهایمها (۱) به منازل مسکونی" و "کوتاه شدن مدت انتظار برای رسیدگی به درخواست پناهندگی و قطع دست بورت" دست به تحریم غذا زده بودند، بدلیل دریافت نکردن جواب مثبت از مقامات مسئول ایالتی در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۸۷ متحد اد رخیابانهای شهر نورنبرگ دست به یک تظاهرات بزرگ زدند. پناهندگان در این تظاهرات که بیش از هزار نفر

اوج گیری بحران و ارگانی بر فراز ارگانهای دیگر

تشکیل کمیته مشترک به منظور "هماهنگی بین مسئولین و کنترل امور کشور" که طی مصاحبه ای از سوی رفسنجانی اعلام شد، ابعد بحران حکومتی رژیم فقها را به نحو برجسته تری عیان می سازد. شدت منازعات درونی اکنون مدتی است که کارکردهای معمول ارگانهای رژیم را با اختلال های جدی مواجه ساخته است. طرح هفته مجلس و هفته قانون حرکتی بود در جهت خلاصی از این بن بست که بی نتیجه ماند. مسئله اینست که دیگ ریخت بر سر در شدن یک لایحه یا یک ماده از فلان مصوبه غیر بعلت تأخیر و تأثیریک جناح رقیب در ارگانهای تصمیم گیری نیست. بلکه صحبت ازین بست قانون است، و این اعترافی است از زبان خودشان. حسین قاضی زاده هاشمی نمایند مجلس فقها چنین اظهار میکند: "معملاً در نظام ما تعریف مشخصی از قانون وجود ندارد. مصوبات مجلس قانون است، موازین شرعی هم قانون است، دیدگاهی می گوید قوانینی که از تصویب مجلس می گذرد، باید منطبق بر قوانین اسلامی باشد، دیدگاه دیگر میگوید: قوانینی که از تصویب مجلس می گذرند نباید مغایرت اصولی با قوانین اسلام داشته باشد... قانون اساسی می گوید مصوبات مجلس مغایرت با قوانین اسلامی نداشته باشد در صورتیکه شورای نگهبان می گوید "باید منطبق بر قوانین اسلام باشد". (کیهان ۱۰ خرداد ۶۶) در همین زمینه رفسنجانی می گوید: "قانونی در مجلس تصویب می شود ولی در شورای نگهبان رد میشود و یا می ماند این بدلیل مشکلات موجود در زمینه تشخیص مطابقت قانون با شرع است چون حدود قانون برای همه موارد و موضوعات در اسلام مشخص نیست و نیاز به اجتهاد دارد." بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!
در صفحه ۲

تلگرام
منتظری در پست پرده تزویر
در صفحه ۱۲

آب را گل نکنید!
در صفحه ۱۳

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر):
به کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و ژنو
به کمیسرهای مالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان ژنو
به سازمان مفو بین الطبل
در رابطه با حمله مسلحانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به محل های مسکونی ایرانیان در شهرهای کراچی و کوئته پاکستان. در صفحه ۲

زندگی و مبارزات پناهندگان
وضعیت نابسامان آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و برخورد های سهل انگارانه سازمان ملل
در صفحه ۴

نشست در مورد وضعیت پناهندگان ایرانی
در صفحه ۷

تظاهرات علیه بازداشت پناهندگان در کشی
کنفرانس علیه استرداد پناهندگان در لندن
پناهنده ایرانی خودکشی کرد
در صفحه ۹

فرخی یزدی
لبان دوخته زحمتکشان

هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد
در بیم و صاحبان در بهیم نشد
ای جان یغد ای آنکه پیش دشمن
تسلیم نمود جان و تسلیم تشد
در صفحه ۵

بمناسبت سالروز شهادت

سازمان عفو بین الملل:

۴۰۰ نفر از آوارگان ایرانی در ترکیه بازپس گردانیده شدند!
در صفحه ۳

مبارزه اپدئولوژیک
به شیوه اپورتونیست ها
در صفحه ۶

اوج گیری بحران وارگانی بر فراز ارگانهای دیگر

(کیهان ۱۲ خرداد ۶۶) بعبارت روشنترین به معنی مخالفت با روش شورای نگهبان جهت انطباق همه قوانین با احکام شرعی میباشد چون به قول رفسنجانی برای همه موارد و موضوعات، حد و روشنی در اسلام مشخص نشده است. اما ماجرا فقط میان این دو ارگان حکومتی محدود نماند بلکه میان دولت و مجلسی که اکثریت آنها وابسته یا طرفدار همان جناح مسلط و لاجرم پشتیبان کابینه می باشند، نیز شکرآب است. . . . در مسائلی تشکیلاتی باید قدرت بیشتری به نظام اجرایی داده شود. وقتی مجلس زیاد وارد جزئیات می شود احساس می کنیم دچار خفگی شده ایم. (موسوی

کیهان ۱۰ خرداد ۶۶). این بن بست در ژوئین و مناسبات کهناسی از بهم خوردن تو ناز قبلی و آرایش جدید نیروهاست، بمعنی واقعی قدرت تصمیم گیری و اراده حکومتی را تضعیف نموده و آنرا به فلج کامل می کشاند. لویح تأمین و توزیع کالا، تشدید مجازات محترکان، تشکیل شرکت پست، تشکیل دادگاههای سیار، وصول مالیاتها، اراضی شهری و طرح بیمه بیکاری و طرح بخش تعاونی همگی در شورای نگهبان رد شده اند و اینها مجموعه برنا هم کابینه و جناح مسلط برای مقابله با بحران مملکت بوده است. وقتی که کار به اینجا کشید، جناح مسلط در رصد برآمد که با ضد حمله گسترده و بی بهره گیری از قدرت خمینی مسائل را حل کند. اما مدعی بجائی نرسید. چرا که از یک طرف نیروی حمایتی "امت حزب الله" که سابقاً بعنوان چماق آنان بکار گرفته می شد دیگر کارآیی لازم، بدلیل مجموعه عوامل و از جمله تحت فشار قرار گرفتن از جانب همین جناح مسلط را نداشت و نمی توان چون گذشته آن را به عقب می انداخت. از طرف دیگر خمینی نیز که بخوبی عمق بحران و ابعاد ماجرا را دریافته و به ناتوانی خود برای حل مسئله با موضع گیری و حمایت از یک جناح واقف می باشد، این راه حل جناح مسلط را کنار گذاشته و جهت دیگری در پیش گرفته است. رفسنجانی در ملاقات با خمینی عاجزانه گفت: "من با همه وجود احساس می کنم . . . که در رقابتون - گذاری و تند وین قوانین اساسی و بنیادی . . . تحقیقا مانیا زبه د خالت و یک صریح جنای عالی داریم . . . و خمینی پاسخ داد: "من بیانه دارم که امروز صحبت کنم. . ." (کیهان ۱۳ خرداد ۶۶) همین جناح مسلط قصد داشت که در انتخابات آینده همه نمایندگان را از "یک خط" انتخاب کند و تمهیدات لازم را با حرکات مختلف از جمله تصفیه ارگانهای ذیربط مانند وزارت کشور و غیره نیز انجام داد. اما این تاکتیک نیز با موانع جدی روبرو شد و منتظری که این روزها با عقب نشینی امثال رفسنجانی نفوذ و قدرت بیشتری یافته است، صراحتاً اعلام کرد که مجلس نباید "یک خطی" باشد و این حرکت می باید متوقف شود.

در چنین وضعیت و توازن مشخص است که راه چاره دیگری جز سازشها و اختلاهای جدید برای حل مسائل و گشودن بن بست های این حکومت بحرانی و متناقض باقی نمی ماند. چون ارگانهای موجود بعلمت برهم خوردن تعادل قوای قبلی قادر به حرکت نبود و فلج گردیده اند، تشکیل ارگانهای تازه تصمیم گیری ضروری می شود. ارگانهایی که در عمل

ارگانهای قبلی را کنار زده و حذف می نمایند. اگر مجلس و کابینه شورای نگهبان د یگر نمی توانند نقش خود را بازی نمایند، "اجلاس سران سه قوه" تأسیس می شود و ارگانی بر فراز ارگان د یگر قرار می گیرد. مصادف با روزهای هفته قانون، که در حقیقت می باید صحنه نمایش قدرت مجلس فقها باشد، اولین اجلاس سران سه قوه (مجلس، دولت و شورای عالی قضایی) به اتفاق اعضای شورای نگهبان اعضای کابینه و رؤسای کمیسیونهای مجلس یعنی همه مردان اصلی حکومت قهها بصورت جمع اضداد و به امید یک ائتلاف و سازش جدید تشکیل جلسه میدهند. آنطور که رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران د اخلی و خارجی د ۱۴ خرداد ۶۶ عنوان کرد، کمیته مشترکی از نهاد های شرکت کننده در اجلاس برای تهیه دستور جلسات و پیگیری تصمیمات اجرائی اجلاس نیز تشکیل شده است. این همه به معنی کنار گذاشتن عملی روابط و عملکرد های پیشین مجلس و کابینه و شورای نگهبان و غیره می باشد. اگر چه قرار است این ارگان تا زه تا سبب در جلسات مرتب خود تصمیم گیریهای اصلی را بکنند، اما بعضی یادآور هیات آشتی کتان چند ماهه آخرد و ریاست جمهوری بنی صد ریزی می باشد. این روند شکل گیری بی درسی ارگانهای تصمیم گیری و لغو آنها مشخصه و وجه بحرانی در حکومتها می باشد. از نوع حکومت فقها، می باشد. فارغ از آنکه این ارگان تا زه تا سبب فقها که اکنون بر فراز تمام ارگان های قبلی قرار گرفته قادر به عمل باشد - که احتمالاً بعلمت ابعاد بحران و تناقض موجود قبل از راه افتادن کامل به فلج و بن بست کشیده خواهد شد - پیش از هر چیزی که ناگشودنی تشبیه رژیم قهها را برجسته تر

تلگرام

به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد: ژنو
به کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان: ژنو
به سازمان عفو بین الملل: مقام محترم:
مردم مبین ماد و اثر سختترین فشارهای ناشی از یک حکومت د یکتا توری مذهبی، و جنگ ویرانگر ۷ ساله مجبور به مهاجرت اجباری میشوند. متأسفانه آنها با مشکلات روز افزون ازجانب دولت های اروپایی جهت پناهندگی روبرو هستند. اما شرایط دشوار زندگی هموطنان مهاجر ما در پاکستان و ترکیه از هر جایی دشوار تر و خطرناکتر است. خصوصاً که جمهوری اسلامی تروریسم خود

پورش و خشایانه عوامل مندر رژیم جمهوری اسلام، به محلهای مسکونی ایرانیان مهاجر در شهرهای کراچی و کوئته پاکستان که در نتیجه آن عده زیادی از هموطنان ما کشته و مجروح شدند با دیگر زامهیت جنایتکارانه این رژیم صد بشوری برده برداشت.
این جنایت همچنین بخوبی ادعای نیروهای انقلابی را مبنی بر اینکه مخالفان رژیم اسلامی حتی در خارج از حیطه قدرت رژیم در میان نیستند و تروریسم رژیم اسلامی آنها را حتی در

از هر زمانی به نمایش می گذارد. اما در رباعین و در میان حکومت شونده گان نیز که از مدتها قبل در رابطه با حکومت فقها با "بن بست" قانون روبرو بودند و از رژیم اسلامی جز با سرکوب و زور قادر به کنترل اکثریت توده ها نبود است، مسائل و چشم اندازهای تازه مطرح میگردد. طبقه کارگر، قهرمان ایران که در چند سال گذشته، در اکثر مواقع بعنوان تنها گروه اجتماعی د برابری و برابری قهها ایستادگی و مقاومت نموده و سنگر تمام می کارخانه های ایران شاهد زنده مقاومت و د رگیری آن با حکومت قهها و سرمایه داری اسلامی بوده است با حرکات عظیم اخیر خود که نمونه آن اعتصاب و تظاهرات پیروزه اند، نه کارگران گروه کشف ملی می باشد نشان داد که در هر های تازه ای از نبرد با رژیم قهها راتد ارک می بیند. خشم و نفرت در میان توده های وسیع زحمتکش متراکم گردیده و فشار جنگ ارتجاعی و فلاکت توده ای وضعیت انفجاری آمیزی را ایجاد کرده است. بی جهت نیست که علاوه بر مقاومت د برابر تعرضات رژیم، زحمتکش و خصوصاً طبقه کارگر دست به تعرضات متقابل در اینجا و آنجا هم می زند.

اگر بن بست و فلج حکومتی و لاجرم تضعیف اراده و یکپارچه آن را در نظر آوریم، امکان بروز منافذی برای فوران کردن خشم توده ها که متراکم گردیده، به خوبی دریافته می شود. و این وظائف سازمانگری و لزوم اقداماتی هر چه بیشتر برای برخورد با حرکات توده های رابرجسته تروریستی می نماید. زیرا که به راستی "د راستانده و سرسروش سازمان" قرار گرفته ایم و قهر جمع شده هر لحظه می تواند جهش و وار بازگردد.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - ۱۹۸۷/۷/۱۰

راجبته ضربه زدن به هموطنان ما به خارج از کشور صادر میکنند. در تاریخ ۸/۷/۸۷ طی یک حمله تروریستی موال حکومت اسلامی در شهرهای کراچی و کوئته پاکستان به ۱۸ خانسه ایرانیان، ۳ نفر کشته و ۲۲ نفر زخمی گردیدند. مانسبت به این گونه فجایع د مورد هموطنانمان به تمامی سازمانهای بین المللی هشدار داده و از آنها منجمله از آن مقام خواستار رسیدگی و اقدام قوری میباشیم.

خارج از کشور نیز تهدید می کند، ثابت کرد. برای مقابله و جلوگیری از تکرار این گونه فجایع عمل متحدانه نیروهای انقلابی و د مکررات و اتحاد عمل گسترده کانونهای پناهندگان ضروری است. همچنین بر عهده این نیروهاست که افکار عمومی جهان را متوجه این اعمال د در مناشنه رژیم اسلامی کرده و آنها را طبعی د ولت های امپریالیستی که برای جلب همکاری و نزدیکی به رژیم تروریستی ایران بناهندگان را تحت فشار میگذارند و مخالفین را وجه المصالحه قرار می دهند برانگیزانند.

۴۰۰ نفر از آوارگان ایرانی
در ترکیه بازپس گردانیده شدند!



سا زمان عفویبن الملل (امنستی) طی د و اطلاعاتی که در ماههای ه و ژوئن منتشر کرد از جنایت دیگری که دولت ارتجاعی ترکیه در کسب کردید، پرد هبرد اشته . امنستی اعلام کرد که دولت ترکیه طی ۴ ماه گذشته . ۴ نفر از آوارگان ویناهندگان ایرانی را به رژیم جمهوری اسلامی تحویل داد هاست . بنا بر گزارش سا زمان عفو بین الملل تعدادی ازیناهندگان برگرد انده شده، خود را به دفتر سا زمان ملل در ترکیه معرفی کرد ه و تقاضای پناهندگی کرد هبوند . این عمل غیر انسانی که برای چند مین بار از سوی دولت ترکیه تکرار گردیده ، از یک توطئه وسیع وهه جانیه علیه پناهندگان ایرانی هقیم ترکیه حکایت میکند . وینویه خود با زتاب سا وشها ویند وسست های د و دولت دستگرا ارتجاعی میباشد . ما از همه کلانین هسای پناهندگی سا زمانهای انقلابی وشخصیتهای متوقی وهبا رزد رخواست میکنیم که به مسأله آوارگان و پناهندگان ایرانی در ترکیه وپاکستان توجه جدی کرده و با سا زمان د اند اتحاد عمل های وسیع و آکسیون های اعتراضی وافشاکری مانع ارتداد اوم اقدامات جنایتکارانه د دولت ترکیه گردند .

بزرگداشت هشتمین سالروز تأسیس
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
در برلین غربی

بهنا سبت ۳ تیر هشتمین سالروز تأسیس سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مراسم بزرگداشتی در تاریخ ۳ تیر از طرف اعضا و هواداران سا زمان د برلین غربی برگزار گردید . در این مراسم که بیش از ۳۰ نفر از ایرانیان متوقی شرکت کرده بودند ، شاعر ونویسند هانقلابی رفیق حسن حسام پیرامون تأسیس سا زمان ، پروسه . تکامل آن تا به امروز ، خط مشی وتاکتیکهای انقلابی آن سخنانی ایراد کرد . برناه با سرود ، تکخوانی رقص یونانی ، پانتومیم ، موزیک کردی وموزیک امریکای لاتین خاتمه یافت . در این برناه همه همچنین سا زمان دانشجویان ایرانی هسوادار سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران د آلمان فدرال و برلین غربی ، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن (کمیتسه اروپا) وهواداران سا زمان رهائسی (گورتولوش) ترکیه د رکردستان شمالی - برلین غربی ، پیمای تبریک خود را به مناسبت هشتمین سالروز تأسیس سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) قرائت کردند .

اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

خللی د رمزم انقلابی و حق طلبی زندانیان سیاسی بوجود آورد .

سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، اهدام رذیلانه زندانیان سیاسی راشد بسدا محکوم می کند ونگرانی عمیق خود رانصبت به اهدام گروههای دیگری از زندانیان سیاسی قهرمان ، توسط رژیم جمهوری اسلامی د رواکش نسبت به مقاومت و اعتراضات ماههای اخیر زندانیان وین و گوهردشت ابرازینماید . سا زمان ما ، بارد بگرا زهمه نیروهای انقلابی دموکراتیک ایران ، از همه سا زمانها و محافل آزاد بخواه جهان میخواهد که علیه جنایات رژیم اسلامی بانگ اعتراض خود رارسا ترساند . با بسیج افکار عمومی ترقی خواه جهان و با استفاده از تمامی امکانات ، جمهوری اسلامی را زهر فشار قرار دهند . برای قطع شکنجه ، لغوا سدا موم آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی ایران ، همه آنان را به همراه خانواده هسای زندانیان سیاسی به اقدامات عملی مشترک و متحدانه فرامی خواند .

بهای لغوشکنجه واعدام ، وهبای آزادی زندانیان سیاسی متحد ایه بپاخیزیم!
مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران!
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - تیرماه ۶۶

کارگران! زحمتکشان ومردم آزاد ه ایران!
سا زمانهای انقلابی دموکراتیک ایران!
مردم ترقیخواه جهان!

گسترش مقاومت زندانیان سیاسی ایران علیه پامال شدن ابتدائی ترین حقوق انسانی در زندانها ، باشدیدترین پاسخ ، یعنی شکنجه و اهدام ، توسط جنایتکاران رژیم اسلامی مواجبه رددیده هاست . جمهوری اسلامی د ره راس از اعتراضات ربه گسترش مردم ایران ، نیروها و محافل آزاد بخواه جهان ، مذبحخانه تلاش می کند تا از رز اخبار مقاومت زندانیان و گشتار د سته جمعی زندانیان سیاسی د شکنجهگاههای رژیم فقها به برین جلوگیری نماید .

در اسفند ماه گذشته ، زندانیان سیاسی وین د اعتراض به وضع بد غذا ، وضع بسیار بد بهد اشته و آزادموم زندانیان ، از گرفتن غذا خود داری کرده ، بهه اعتصاب غذا دست زدند . جنایتکاران جمهوری اسلامی برای درهم شکنستن مقاومت زندانیان سیاسی ، د آستانه نوروز ، ۲۵ تن از زندانیان سیاسی را تهر باران نمودند .

تشدید مقاومت و اعتراضات زندانیان سیاسی وین و گوهردشت د راههای ارد به بهشت و غروداد ، که منجر به د رگیری و ضرب و شتم زندانیان ، نگرقتن غذا و اعتصاب غذای مجدد د اسرای قهرمان گردیده هاست ، حاکی از آنستکه هم اقدام جنایتکارانه رژیم اسلامی قادر نیست

تظاهرات صلح در برن

در سیزدهم ژوئن ۱۹۸۲ د اعتراض بس سیاست های جنگ طلبانه ریگان و پشتیبانی از طرح خلع سلاح میخائیل گورباچف ، همزمان با دیدار ریگان از آلمان غربی به دعوت سا زمان ها و گروههای هوادار صلح و خلع سلاح ، تظاهرات مسالمت آمیزی د شهر برن - آلمان غربی - برگزار گردید .

حدود پنجاه هزار نفر از نیروهای متوقی صلح - طلب آلمان از شهرهای د وروزد یکبه "ین" آمد ه و از سه نقطه شهر با شعرا و پلاکارت های مبنی بر خلع سلاح آتی ، برچیدن موشکها از آلمان و اروپا به سمت محل اصلی تجمع راه افتادند . راهپیمایان پس از چند ساعت توقف و راهپیمایی د رزیر باران شدید د ر نزد یک د انشگاه به هم ملحق شدند و در محل اجتماع به سخنرانی نمایندگان احزاب و شخصیت های مستقل گوش فرادادند .

نمایندگانی از حزب سبزها ، "فولگ" رهبر حزب سوسیال دموکرات ، یک فیزیکدان جوان برنده جایزه نوبل و چند شخصیت دموکرات و متوقی ، در سخنان خود از طرح پیشنهادی میخائیل گورباچف مبنی بر خلع سلاح جهانی و برچیدن پایگاههای موشکی و محسولاح های گشتار جمعی پشتیبانی کردند . بعضی از سخنرانان سیاست جنگ طلبانه ریگان و طرح جنگ ستارگان را بشدت محکوم کرده ، خواهان پایان دادن به آن و موافقت با پیشنهاد های واقع بینانه خلع سلاح اتحاد شوروی شدند . رفقای مادرین ، کلن ، ویک د و شهر دیگر د این تظاهرات فعالا شرکت داشتند و بیانیهای د ر باره اثرات مخرب و خانمانسوز جنگ را میان جمعیت توزیع کردند . قطعنامه پایانی میتینگ ، ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بشدت محکوم دانسته ، و خواستار قطع بید رنگ جنگ می گردد!



وضعیت نابسامان آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و برخوردهای سهل انگارانه سازمان ملل

... ۵ دلار به بالا است. اینگونه مسافرت ها معمولاً توأم با انتظار زیاد و ریسک فراوان است. مقدار زیادی از این مسافرین موفق به مسافرت و پناهندگی نمی گردند و در نتیجه، تمامی پول و یا مقدار قابل توجهی از آن نصیب دلال ها و واسطه ها و قاچاقچیان می شود و آنها بعلت کمبود پول، امکان خروج از ترکیه را از دست می دهند و چاره ای ندارند جز اینکه به سازمان UN مراجعه کرد و بیا به ایران بازگردند که معمولاً به دلیل عدم پذیرش و برخورد غیرمسئولانه سازمان UN یا مجبور به بازگشت به ایران می شوند و یا باید ترین شرایط و بنا را امید ی در ترکیه گذران می کنند تا شاید در آینده امکان و روزنه امید برای ایشان پیدا شود. برخی از سایر افراد حتی مجبور می شوند برای امرارمعاش خود و خانواده شان پاسپورت خود را بفروشند.

معیارهای سازمان ملل برای پذیرش پناهنده، چهارچوب ثابت و مشخصی ندارد و در صورت وجود شرایط لازم برای پناهندگی، افراد واجد شرایط عموماً پذیرفته نمی شوند. این امر موجب برانگیختن اعتراض بسیاری از ایرانیان متقاضی پناهندگی شده است. در همین رابطه است که پناهنده های بنام تبریزی، خود را جلوی دفتر UN در آنکارا به آتش کشید. بعد از عوض شدن مسئول امور پناهندگی UN (بوکلی Bookly) برخورد دفتر UN در باره های موارد صرفاً اداری، بهتر شده ولی باز هم برخورد مسئولین و نیز مترجمین دفتر، اساساً در چهارچوب قرارها و موازین حقوق بین المللی نیست. این برخورد ها ظاهراً به ایمنی دلیل که می بایست افراد واجد شرایط از افراد دیگر تمیز داده شوند به گونه ای تنظیم و سازمان داد.

می شود که فرد متقاضی پناهندگی می بایست الزاماً به سئوالا تی جواب دهد و یا مسائلی را علنی سازد که بهیچوجه ربطی به موازین حقوقی فوق الذکر ندارد. مثلاً فردی که خود را پناهنده سیاسی معرفی می کند باید محلی که در ایران فعالیت می کرده، اسم مسئول خود، محل چاپ نشریات گروهش، چگونگی بردن نشریات به داخل کشور، اسامی اصلی تعدادی از افراد کمیته مرکزی سازمان سیاسی-اش و چگونگی خروج از ایران را روشن کردن ریزه-کارهایی که ربطی به موضوع ندارد و همچنین اینکه آیا در ترکیه با سازمان سیاسی مربوطه تماس دارد و چگونگی این تماس و مسائلی از این قبیل را بطور دقیق بازگو نماید که معمولاً افراد سیاسی اخیراً به اصطلاح مصاحبه های گذرند و پرونده شان را می بندند. این موارد و موارد مشکوک دیگر را گم شدن تعدادی از پرونده ها به همراهی یک مترجم موجب عدم اعتماد برخی از ایرانیان به این دفتر فاش شده است. مورد دیگری نیز وجود داشته که نشان دهنده برخورد غیرمسئولانه و شک برانگیز مسئولین این دفتر است. مثلاً به شخصی که در ایران در انبوری درباری جمهوری اسلامی بوده و از ایران فرار کرده و به سازمان ملل برای پناهندگی مراجعه کرده، در مصاحبه ۱۴

پول به قاچاقچی ببرد ازند که خود این عمل توأم با ریسک زیاد است. بیشترین اشخاص ترجیح می دهند که از طریق دفتر سازمان ملل (UN) اقدام نمایند. پاسخ مقامات مسئول این دفتر به آنها اینست که: "باید خود را به پلیس ترکیه معرفی نمائید" و پاسخ پلیس ترکیه در بهترین حالت ممکن این است که: "خود را به مرکز پلیس استان مرزی همجواری ایران که از آنجا وارد ترکیه شده اید معرفی نمائید". در غیر این صورت و بدین اربودن کارت اقامت موقت پلیس ترکیه، UN ترتیب اثری به خواستهای فرد پناهنده نمی دهد. معرفی به پلیس توأم با خطرات زیادی است. معمولاً فردی که خود را به پلیس استان مرزی معرفی می نماید، دستگیر و زندانی می شود و تا تشکیل دادگاه باید در زندان بماند و نیز موارد متعددی از استرداد آنها به ایران وجود داشته است؛ بطور مثال در اوائل ژانویه ۸۷ شخصی که از سرپازی فرار کرده و خود را به پلیس مرزی معرفی کرده بود، همان روز به همراه چند تن دیگر به مقامات ایرانی تحویل داده شد. این شخص اکنون در زندان سپاه است و قرار است پس از پایان مدت محکومیت به خط اول جبهه اعزام شود.

وضعیت زندانها فوق العاده بد و غیر انسانی است. معمولاً کسانی که استطاعت مالی دارند می توانند حداقل امکانات مورد نیاز خود را فراهم سازند و بقیه در وضعیت بسیار اسفباری بسر می برند.

یکی دیگر از مسائلی که این افراد را رنج میدهد داشتن امکانات حداقل معیشتی است. افرادی که خود را به سازمان ملل و پلیس معرفی می کنند هیچکدام امکان مالی برای خروج غیرقانونی ندارند. این افراد بعد از تحمل رنج و مشقت زیاد انتظار دارند در مدتی که منتظر جواب سازمان ملل برای رسیدگی به وضعیتشان می باشند از سوی مقامات سازمان ملل و برهمنای ضوابط و مقررات آن کم هزینه حد اقلی راد دریافت دارند ولی این انتظار به بهانه های مختلف برآورده نمی شود. افرادی که بطریق قانونی به قصد پناهندگی به دیگر کشورهای وارد ترکیه می شوند، بیشترشان کسانی هستند که عمده د ارائی خود را در ایران می فروشند تا بتوانند با این پول خود را به کشور مورد نظر رسانند و پناهندگی بگیرند. بعد از این محدودیت های زیاد خروج و ورود غیرقانونی به کشورهای دیگر و بخصوص بعد از بسته شدن راه آلمان شرقی - برلین غربی (فرید ریش اشتراسه)، هزینه اینگونه مسافرت ها فوق العاده افزایش یافته و بیشترین مقدار این هزینه به جیب دلالها و قاچاقچی های می رود. نرخ قاچاقچی ها به کشورهای مختلف متفاوت می باشد؛ بسته به دوری و نزدیکی و نیز مشکلات و مخارج سفر، قیمت ها نیز فرق می کند. کمترین مقدار حدود ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰ دلار و بیشترین مقدار که برای کانادا یا آمریکا است

آنچه که می خوانید قسمتهایی است از دگر و گزارش که رفقای ما از ترکیه و پاکستان تهیه و برای فرستاده اند. از شرایط دشوار و طاقت فرسای زندگی هم می بینان آواره خود در ترکیه و پاکستان بارها مطالبی خوانده و یا شنیده ایم ولی آنچه در این گزارش چشمگیر و قابل توجه است نقش سازمان ملل متحد بعنوان حامی حقوق بشر در زمان زدن به نابسامانی وضعیت هموطنان ما در این دو کشور می باشد:

ترکیه اکنون سربل اصلی عبور ایرانیان به کشورهای اروپایی است. بیشترین تعداد ایرانیان را افرادی در بر می گیرند که ترکیه را بمنظور اقامت موقت و عزیمت به کشورهای که پناهنده می پذیرند، انتخاب کرده اند. این تعداد به د و صورت قانونی و غیرقانونی وارد ترکیه می شوند.

افرادی که بصورت غیرقانونی وارد ترکیه می شوند از همان مرحله اقدامات اولیه جانانشان در معرض خطر قرار می گیرد. این خطره تنها از جانب دولت ارتجاعی و ضد بشری ایران بلکه از جانب دولت و مأمورین ترکیه نیز وجود دارد. موارد متعددی وجود دارد که ایرانیان هنگام عبور از مرز و در داخل ترکیه با اسلحه مأمورین ترک کشته شده اند.

چندین پیش ۴ نفر ایرانی به همین صورت کشته شدند و جنازه هایشان در مرز ایران و ترکیه به خانواده های ایشان تحویل داده شد. مواردی از این قبیل کم نیست. دولت ترکیه با توجه به قرارداد محرمانه ای که با دولت ایران منعقد نموده، ایرانیانی را که غیرقانونی وارد ترکیه می شوند دستگیر نموده، در ازای دریافت مبلغی حدود ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار تسلیم مقامات ایرانی می نماید و نیز بر طبق اطلاعاتی که خود مأمورین "پانچ" شعبه استانبول (اداره رسیدگی به مأمورین گان) داده اند، مأموران خاصی از این شعبه با مسئولین سفارت و کنسولگری ایران در ترکیه قرارداد های کاملاً مخفی دارند که بموجب آن افراد ایرانی فاقد پاسپورت واقعی را که در شهرهای غیر مرزی از جمله در استانبول و آنکارا دستگیری نمایند، در صورتی که حکومت جمهوری اسلامی خواهان استرداد آنان گردد، بدون طی حتی مراحل ظاهراً قانونی و به صورت مخفیانه به آنها تحویل می دهند. برخورد مقامات ترکیه با کسانی که بصورت غیرقانونی به ترکیه آمده اند عموماً توهین آمیز و غیر انسانی و توأم با ضرب و شتم و فشارهای روانی و جسمانی است. میزان رشوه خواری و اخاذی مأمورین ترکیه فوق العاده بالاست و بدین ترتیب کسانی که استطاعت مالی ندارند از بد وضعیت بدتری به سر می برند.

کسانی که بشکل غیر قانونی وارد این کشور می شوند اگر گرفتار پلیس نشوند بالا جباریا از طریق قاچاق به کشورهای دیگر رهسپار شده و پناهنده می گردند و یا از طریق دفتر سازمان ملل متحد IOMC اقدام به تقاضای پناهندگی می نمایند. در صورت اول مجبورند که مقدار زیادی

فرخی یزدی، لبان دوخته زحمتگشان (۱)

☆☆☆☆☆☆

هرگز دل ما ز خصم در ربیم نشد
در ربیم رضا حبان در پیهم نشد
ای جان بقد ای آنکه پیش دشمن
تسلیم نمود جان و تسلیم تشد

او که دشمن استعمار و طبقات ستمگر بود با شروع جنگ اول به بین النهرین رفت و از طرف دولت انگلیس مورد تحقیب قرار گرفت و در مساره مخفیانه به ایران مراجعت نمود. او امیرالیسم انگلیس را بعنوان دشمن آزادی و استقلال میپندش میشناخت و در مقالات و اشعارش بدان میخواست. فرخی در برگشت به ایران مورد سوء قصد قرار گرفت ولی جان بسلا مت برد. او مبارزه‌ای سخت علیه قرارداد اسارت بار ۱۹۱۹ و علیه رشوق - الدوله پیش برد که منجر به زندانی شدن او گردید. تا این زمان هنوز بیکر انقلاب مشروطیت بخاک سپرده نشده بود و مبارزات فرخی با زندان و سوء قصد و تهدید و ... جواب داده می‌شد. در رکود تالی ۱۲۹۹ با زهم و چند ماهی زندانی گردید. امیرالی گسترش مبارزه‌اش علیه ارتجاع در سال ۱۳۰۰ به تأسیس روزنامه "طوفان" پرداخت.

روزنامه "طوفان" با کلیشه سرخ که جانب‌داری آن را از زحمتگشان و انقلاب نشان میداد منتشر گردید. مقالات تند و اشعار تند و گریز انتقادی روزنامه طوفان چون شلاق بر بیکر ارتجاع و عوامل امیرالیسم فرود می‌آمد و آنان کینه‌ای عسوق از فرخی بدل میگرفتند و اقدام علیه آن توطئه میکردند. روزنامه طوفان در طی سه سال انتشار ۲۷ شماره بیش از ۱۵ بار توقیف شد و فرخی بارها بخاطر آن به زندان رفت. فرخی هر بار با استفاده از امتیاز روزنامه‌های دیگر مثل "بیکار"، "قیام"، "طلیعه"، "ستاره شرق" ... به مبارزه خستگی ناپذیرش ادامه میداد.

در سال ۱۳۰۵ در دهمین سالگرد انقلاب کبیرا کبیر، فرخی یزدی برای شرکت در جشن اتحاد شوروی دعوت گردید که طی یازده روز اقامت در نظومه‌ای سرورده که در روزنامه‌های آنجا بچاپ رسید. پس از مراجعت مقاله‌ای بنام "جور و ستم - های دیکتاتوری" را ترجمه و در "طوفان" بچاپ رساند که باعث توقیف آن گردید. فرخی در سال ۱۳۰۷ بعنوان نماینده مجلس شورای ملی (دوره هفتم) از طرف مردم چیزد انتخاب گردید. او که در مجلس جزو اقلیت بود مرتب مورد اهانت و توهین قرار میگرفت تا جائیکه به او حمله گردید و ویشدت کتک خورد. او بعد از آن مدتی در مجلس متحصن گردید و بعد نبال آن توانست از آنجا گریخته و مخفیانه راهی اتحاد شوروی گردد.

فرخی از اتحاد شوروی به برلین سفر می‌کند و در آنجا روزنامه‌های علیه رژیم منتشر می‌نماید. رژیم سوسیالیست در توقیف آن میکند اما شکست می‌خورد. در رایسن زمان تیمورتاش، وزیر دربار وقت، به اروپا سفر کرد و با فرخی ملاقات میکند و به او اطمینان می‌دهد که اگر به ایران برگردد در هیچ‌گونه مزاحمتی برایش قراهم نمی‌شود. فرخی به ایران (۱۲ - ۱۳۱۱) برمیگردد.

فرخی از همان بد و ورود تحت نظر است. بعد از یکسال بعد از رنشد شهبان نقل مکان می‌کند که در آن جا شدید تر تحت نظر و کنترل قرار میگیرد و

انقلاب مشروطیت در رویش در دناک و فرور انگیزش بمانند بسیاری از انقلابات عصر خود - به ویژه در شرق - علیرغم تمامی جانفشانی‌ها بر اثر عدم بلوغ تاریخی، به گل نشست اما میوه نداده و بزمرد هنگست. بورژوازی ایران ناتوان تر از آن بود که قد بیاورد و در رنیه راه به معامله ننشند و قوی‌ترین بخش آن که خود محتاد به معامله بود و سود اگر راه و رسم معامله را خوب می‌شناخت و از همان ابتدا به معامله نشست. مردم میهن - علی‌رغم جانفشانی‌های بسیار تنها چند صباحی طعم آزادی را چشیدند. در راه دموکراسی که خواست انقلاب مشروطیت بود چه بسیار شهیدان که برخاک افتادند و فرخی یزدی یکی از چهره‌های صمیمی و جسور و پاک‌باخته این نبرد بود.

دشمنان مردم چه مجابا دشمن‌های عربان و پنهان بر تمامی جلوه‌های آزادخواهی، بر مطبوعات انقلابی و مترقی که نقش قابل توجهی در مبارزه علیه استبداد و در دفاع از استقلال و آزادی این مرز و بوم ایفا نمودند و بر هر شکل ترقیخواه و عناصر و شخصیت‌های ملی و مبارز و ... حمله آورده و از زمین میبردند. هر کجا که میتوانستند آشکارا و سبانه گردن میزدند و هر کجا که نمیتوانستند به توطئه و گسترده نام می‌پرداختند.

امیرالیسم انگلیس که مدتها گوش خوابانده بود و در تمام طول انقلاب نیز لطمه‌ای از توطئه و تحریک و دخالت و جایگزین کردن مهره‌هایش قلم نبود، حال در رتد آرکا آوردن عروسک خیمه - شب بازی خود، عروسکی با سبیل چخماقی و پوتین‌های ساقه بلند و براق، به انداز کافی جلاد و قزاق منش، چون رضا خان میرینج بود. او میبایست به همراه مدف احمد شاه و نایب‌دلی آخرین دست آورد های انقلاب مشروطه، به "سردار سپه" و سپس رضاشاه و بعد از آن اعلیحضرت رضاشاه ... ارتقاء یابد. این ارتقاء سرطانی بسیار خون می‌طلبید و فرخی یزدی یکی از قربانیان این جنایات بشمار بود.

فرخی یزدی در سال ۱۳۰۶ شمسی در ریست متولد شد. او را با اخراجات تحصیلات مقدّماتی اش در مدرسه مدرسین انگلیسی‌های یزد بدلیل درگیری با اولیای مدرسه و سرودن اشعار "شورش‌ی" اخراج گردید. بعد از آن مدتی در حرفه‌های پارچه بافی و نانوائی کار کرد و با آغاز جنبش مشروطیت بدفاع از آن پرداخت. توانائی در سرودن اشعار با مضامین سیاسی و دفاع از آزادی و منافع زحمتگشان بزودی در وستان بسیار و دشمنان بسیار برایش به ارمغان آورد. فرخی در سال ۸۸ - ۱۲۸۷ راهی تهران شد و شروع به انتشار نظراتش در روزنامه‌ها نمود.

شعری با مطلع زیر میسراید :
ای که برسی تا به کی در بند در بندیم ما
تا که آزادی بود در بند در بندیم ما
اکنون رضا خان میرینج بر همه جا چنگ انداخته
است. ارتقاء سرخو به اعلیحضرت قد رت بدین نابودی بقایای مشروطیت و فراهم آوردن دستگاه عریض و طویل سرکوب و قهریلسی و رصب و وحشت مقدورنگشته است. اکنون علیه فرخی به اتهام قروض بودن ۳۰۰۰ ریال (سه هزار ریال) اجرائیه صادر میگردد. وقتی فرخی پیشتهساد مقرری ماهیانه ۵۰۰ ریال از طرف رئیس شهربانی وقت یا شغلی در تشکیلات شهربانی را رد می‌کند بزندان افکنده میشود.

توطئه گسترش می‌یابد و پرونده‌های سیاسی به عنوان "اسائه ادب به مقام سلطنت" علیه او تشکیل داد و او را به زندان شهربانی منتقل می‌نمایند. طی محاکمه به سی ماه زندان محکوم میشود. او در تمام طول محاکمه کاملاً سکوت اختیار میکرد و در آخر جلسه فقط این جمله را بر زبان می‌راند: قضاوت نهائی با ملت است و حکم را رویت و امضا نمی‌کند.

تود را با جنگ صنفی آشنا باید نمود
کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود
در وصف حزب فقیران اغنیاء کردند جای
این در وصف را کلاً از هم جدا باید نمود
این بنای کهنه پیوسید و هر آن گشته است
جای آن با طرح نواز تو بنا باید نمود
تا مگر مدخل و تناسوبی در ریش مجری شود
انقلابی سخت در دنیا با باید نمود
سکنت را محو باید کرد بین شیخ و شاه
معدلت را شامل شاه و گدا باید نمود
از حصر شیخ آیند مبدم بی روی ربا
چاره آن با ربا و هر با باید نمود
فرخی بی ترک جان گفتن در این ره پا نه
زانکه در اول قد چنان را فدا باید نمود

فرخی در زندان علیرغم قدغن بودن مطالعه و نوشتن، مخفیانه میسرود و میخوشید. به همین خاطر به تحریک مقامات زندان همیشه مورد حمله و ضرب و شتم عا دل مزد و روجا سوسان رژیم قرار میگرفت. تمامی فشارهای لازم علیه او بکار گرفته شده بود که یا قفا و متش در رحم شکسته شود بیاید گردد.

سرانجام در سال ۱۳۱۸ فرخی یزدی شاعر انقلابی و شورید هبد ست مزدوران رضا خان به شهادت رسید. ابتدا او غذایش سپهریختند ولی او که متوجه شد بهود نخورد. همان شب او را به بیمارستان زندان برد و در آنجا با تزریق آمیول هوا بوسیله پزشک درندان و یکمکده‌های جنایتکار دیگر به شهادت رسید.

۱ - در سال ۱۲۸۸ حاکم یزد بخاطر اشعار انتقادی که فرخی یزدی سرورده بود و رعید نوروز در حضور او خوانده بود بخشم آمد و دستور داد که در همان فرخی را با بنخ و سوزن دخته و به زندان بیاورد. فرخی بعد از آن تالظه مرگ قهرمانانه‌اش هرگز از سرودن برای آزادی و به دفاع از محرومان دست نکشید.

مبارزه ایدئولوژیک به شیوه اپورتونیست‌ها

شیوه‌هاست و حزب و سازمان سالهاست این طریق معقول را پیش گرفته‌اند. این روش را بیچ و در کلیه احزاب اپورتونیست به منسجم‌ترین صورت در دیدگاه‌های حزب توده و شورویزده‌هاست. پوشش اپورتونیست‌ها برای مانع‌ترازی مبارزه ایدئولوژیک و مطلع شدن توده‌ها از مشاجرات واقعی در جنبش کارگری و "دعواهای میان‌کمیته مرکزها" معمولا حول این توجیهات میگردد که این مشاجرات به وحدت جنبش صدمه میزند یا اینکه جنبه انقلاب را در برابر ارتجاع و امپریالیسم تضعیف میکند. انحراف اساسی این جنبش در رأینجاست که اولاً به مبارزه ایدئولوژیک بحث‌ها به یکی از اشکال مبارزه طبقه کارگری نگردد، ثانیاً هدف از مبارزه ایدئولوژیک رانه ارتقا آگاهی و جنبش طبقه کارگری بلکه وسیله‌ای در دست نخبگان طبقه برای بهتر کردن مناسبات آنها می‌نگردد ثالثاً همواره میان مبارزه ایدئولوژیک و مناسبات براد رانه "تعارض می‌بیند. یعنی این دو مانعاً الجمع می‌داند. مثلاً در همین شق اخیر حزب توده در مقاله مذکور خطاب به اکثریت می‌نویسد: "ما معتقدیم روابط براد رانه میان حزب و سازمان چنان شرایطی را بوجود آورده که بتواند مسائل مورد بحث رانه در صفحات ارگانهای مطبوعاتی، بلکه پشت میز مذاکره مورد بررسی قرار دهند و نتیجه مطلوب برسند. به همین سبب ما تا سلف خود را از کشانده شدن مسائل مورد اختلاف به صفحات روزنامه ارگان از رفق پنهان نمی‌داریم". میدانیم که حزب توده و اکثریت از همین موقع روش لنینی مبارزه ایدئولوژیک ما را با احزاب کمونیست مورد حمله قرار میدهند. روش لنینی در مبارزه ایدئولوژیک اما با اصل قرار دادن در حالت کارگران در تمامی مباحثات و مشاجرات میان احزاب طبقات مختلف منجمله در جنبش کمونیست هرگونه برد پویشی و هر نوع محدود کردن در مانع مبارزه میان گروه خاصی ز روشنفکران را مردود میدانند و از مبارزه ایدئولوژیک علنی دفاع میکند. همچنین آنها را که از طرح مسائل در جنبش سوسیال د مکرسی بخاطر بهره برداری بورژوازی و دشمنان طبقه کارگری می‌پندارند با انتقاد میگرد. در پیشگفتار رساله "یک گامه پیش... لنین خطاب به مخالفین سوسیال د مکرسی چنین می‌نویسد: "آنها از ملاحظه مشاجرات ما زهر خند میزنند و هن کجی می‌کنند، آنها البته خواهند کوشید از بعضی قسمتهای رساله که به نواقص و نارسائیهای حزب ما مربوط است برای مقاصد خویش استفاده نمایند. ولی سوسیال د مکرتهای روس اکنون بحد کافی در نبرد ما آماج تیربارگر گرفته‌اند که از این نیشها متأثر نشوند و لنین هم این نیشها بکار خود در مورد انتقاد از خود و اقباش بیرحمانه نواقص خویش، که رشد جنبش کارگری آنها را حتماً و جبراً بر طرف خواهد نمود ادامه دهند. " نه فقط در این رساله بلکه در تمامی جزواتی که لنین در برابر انحلال طلبان که کارگران را از مداخله در اختلافات منع میکنند به رشته تحریر آورده کارگران را فرامیخواند تا با بدقت و جدیت تمامی مناظرات میان فراکسیون‌های سوسیال د مکررات را مورد توجه قرار دهند. این تفاوت فاحش روش مبارزه ایدئولوژیک میان کمونیست‌ها و اپورتونیست‌ها دقیقاً ادامه روش‌های متفاوت آنها در عرصه مبارزه سیاسی است. برای اپورتونیست‌ها، که همواره در عرصه سیاسی چشمه‌بالا دارند و پنهان از چشم کارگران حل مسائل را در پشت میز مذاکره جستجو میکنند، ایدئولوژیست‌ها که در عرصه مبارزه ایدئولوژیک نیز در بند مخفیانه و تشکیل کمیسیون را بجای مبارزه ایدئولوژیک علنی و مداخله‌گرانه قرار دهند. و اکنون حزب توده در مقاله "بیرا مونی مقاله" برای دستیابی مشترک به حقیقت" یکی از تمهیدات این روش اپورتونیستی را به ما معرفی کرده‌است. هم‌این حزب و هم‌سازمان اکثریت علیرغم خواست قلبی‌شان به این بحث علنی کشید شده‌اند. با این حال برای اینکه به اصول اپورتونیسم کا بلا پشت نگردد و باشند برای اینکه احیاناً منشأ درگیریهایی در پائین نشوند روح نازک وحدت‌ها و اتحادها را خدشه‌دار نگردد و باشند چنان بلا پستی نسبت به هم در پیش گرفته‌اند که مثال زدنی است. ما فکر میکنیم با این لطف و موقوتی که میان رهبری اپورتونیست اکثریت و حزب توده وجود دارد "حقیقت مشترک" حتماً دست‌یافتنی است!

برای رهبری سازمان اکثریت در چیز همواره دارای ارزش یکسان بوده است، یکی حفظ وحدت تشکیلاتی و دیگری اتحاد با حزب توده. این دو، بر زمینه‌ای از شکست خط مشی رفرومیستی و بی‌داری بخش بزرگی از نیروهای وابسته به این دو سازمان در تناقض با یکدیگر افتاده‌است. حل این تناقض محور اساسی کلیه اقدامات رهبری اکثریت از شروع دوره اپورتونیسم اجباری را تشکیل داده است. پذیرش صوری پاره‌ای انتقادها و حفظ یک‌آرنج فاصله با حزب توده و جنبه اصلی از این محرومی باشد. حرکت رهبری اکثریت اکنون شبیه کسی است که روی بند راه می‌رود. شروع مباحثه‌علنی اکثریت با حزب توده و مخصوصاً واکنش عصبی و برآشفته حزب توده در تناقض یاد شده و رانگاهان در موقعیت حساستری قرار داد. و خیمه‌ترشدن این تناقضات تنها باعث کشید شدن تفاوتهای فکری این دو جریان در موضوع خط مشی حزب در سالهای ۱۹۶۱-۵۷ "برصفحات روزنامه ارگان" نمی‌باشد، بلکه بخاطر شیوه اپورتونیستی که در این مباحثه‌ها گرفته و البته از اپورتونیست‌ها جز این هم انتظار نمی‌رود نیز میباشد. اکثریت که در پلنوم ۵۶ قول "نبرد قاطع و پیگیر" با انحرافات راست و چپ را داد و در کار شماره ۹۳ در مقاله با عنوان "برای دستیابی مشترک به حقیقت" چشمه‌ای از این نبرد قاطع با حزب توده را که بیشتر به مغالطه و در لاد مشابه است را به نمایش گذاشت. اکثریت با احتیاط تمام بگونه‌ای که ایدئولوژی به حزب وارد نشود حزب را دعوت کرد تا از زخمشیطان پائین بیاید و با واقع بینی انتقاداتی را که به مشی حزب در دوره زمانی ۱۹۶۱-۵۷ وارد است بپذیرد. اما حزب توده که از عواقب این خردمانتقادات با خبر است و میداند که در جایی گرفتار شده که کوچکترین عقب نشینی به موقعیتی بمراتب ویران کننده متر از وضع فعلی منجر خواهد گشت، در نامه مرد ۱۵۸۸ با غیظ از این برخورد ناشیانه و بی‌چهارم انگیزت ضمن پرده برداری از بعضی مسائل پشت پرده می‌نویسد: ما مخالف بحث پیرامون اختلافها نیز نبودیم و حتی تصمیم مشترک برای ادامه بحث در سطح رهبری نیز اتخاذ شده بود و بدین منظور "کمیسیون مشترک" نیز تشکیل شده بود. در واقع حزب توده به بد رستی مدعی است که رهبری اکثریت زیر قول و قرارها زده و مسائل را به صفحات روزنامه‌ها کشانده‌است. مصیبت حزب توده از اینجاست که می‌بیند اکثریت رعایت حال او را نمی‌کند بنا بر این بنا را حتی می‌نویسد "بهر حال بحثی آغاز شده و ما مجبوریم به آن پاسخ دهیم" ولی برای اینکه توهمی پیش نیاید و اکثریت گمان نکند که حزب از این "مباحثه" جا خورده بطور وقیحانه‌ای از خط مشی خیانت با خود پس از انقلاب به بد قاع برمیخیزد و می‌نویسد: "بها و ما استراتژی حزب (در پس از انقلاب) کاملاً صحیح بود و چنان که در ارزیابی کنفرانس ملی آمد داشته‌است و در انتخاب برخی تاکتیکها بوده‌است" و برای توجیه همین "برخی تاکتیکها" بلافاصله اضافه می‌کند که "باید متذکر شد که حتی اتخاذ تاکتیک صحیح نیز چه بسا به تحقق حتمی استراتژی نمی‌انجامد". در قاع حزب توده از سیاست پس از انقلاب، چنانکه شایسته است و ست به اینجا خاتمه نمی‌یابد و با صراحت به همکاری همه جانبه و تابه آخر با رژیم ارتجاعی اسلامی مباحثات می‌کند "توده‌های ما افتخار میکنند که با قدر و آکاری و از چنان گذشتگی توانستند برنا به حزب (تحکیم و تثبیت و شکوفائی جمهوری اسلامی) را به چنان نیروی مادی (استقرار رژیم فقها و ارگانهای سرکومگرولایت فقیه) تبدیل کنند که امروز حتی دشمنان آن (طبقه کارگر و اقشار مختلف مردم) در ج. ا. نیز بد آن معترفند". یک چنین موضع انعطاف ناپذیری از طرف حزب مقابل اکثریت را که به انعطاف احتیاج دارد با دشواری روبرو می‌سازد. صرف نظر از انگیزه‌ها و نتایج که بر این گفت و شنودهای براد رانه حاکم است روشی که در طرف در طرح و حل مسائل به اصطلاح مورد مشاجره بکار می‌برند حاکم اهمیت است. محتوای این روش اپورتونیستی آنست که مسائل باید دور از چشم مردم و در آن بالا بالا ماحل و فصل شود. طرح اختلافات در میان اعضا و هواداران به بد حالت آنها و ایجاد هرج و مرج منتهی میگردد. حزب توده در این باره در مقاله مورد نظر با فرمول درخشان این متدولوژی را چنین بیان میکند: "مشاوره در سطح رهبری برای حل مسائل مورد اختلاف بهترین و اصولی‌ترین

نشست در مورد وضعیت پناهندگان ایرانی

گزارشی را که در زیرخواهید خواند، توسط یکی از رفقا برای ما ارسال شده است. از آنجا که مطلب حاضر حاوی نکات مهمی است، به درج آن اقدام می‌کنیم.

ساعت ۸ شب ۱۲ مه جلسه‌ای در رکورهایس - باد فیلیبل (یکی از شهرکهای اطراف فرانکفورت - آلمان غربی) برای صحبت در مورد وضعیت پناهندگان ایرانی تشکیل شد. برای این جلسه که به دعوت "گروه کار برای پناهندگان" در باد فیلیبل تشکیل شد، در حدود ۴۰ دعوتنامه کتبی به ساکنان و نهاد های ذی علاقه ارسال شده و به شکل پلاکارد و آگهی در روزنامه نیز اعلام شده بود. علیرغم آن، تنها حدود ۲۵ نفر در این جلسه حضور پیدا کردند. از جمله دو عکاس و یک خبرنگار از فرانکفورت روندها و از پناهندگان نیز فقط عنقریب ایرانی شرکت کردند.

در این جلسه، ابتدا یکی از پناهندگان ایرانی ماجرای سفر غیرقانونی خود از مرز پاکستان و مشکلات آن را شرح داد. سپس آقای "وای سینگر" که همراه هیئتی برای بررسی وضع پناهندگان ایرانی در ترکیه به آنجا سفر کرده بود، گزارشی در این مورد ارائه داد. وی گفت که تعداد ایرانیان در ترکیه در حدود چهارصد هزار نفر است. این رقم تقریباً نصف تعداد ایرانیان در ترکیه است. آنها از نظر وضع اقامت به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول که در حدود ۷۰۰ نفر تخمین زده می‌شوند اقامت قانونی دارند. دسته دوم پاسپورت قانونی دارند ولی اجازه اقامت ندارند. این عده هر سه ماه یکبار با توره‌های تقریباً ارزان به کشوری مثل رومانی سفر می‌کنند و به این ترتیب اجازه اقامت توریستی خود را تمدید می‌کنند. وی مواردی از تنش یا هفت بار سفر را مشاهده کرده بود. دسته سوم که تعداد آنها دقیقاً مشخص نیست نه پاسپورت معتبر و نه اجازه اقامت دارند و شرایط بسیار بدی پس می‌برند و قانونی کردن آنها بسیار مشکل‌ناظر می‌رسد. علت امر اینست که ترکیه تنها واریانت "ب" از کنوانسیون ژنو را امضاء کرده است. (واریانت "آ" پذیرفته شده پناهندگان را منظور کرده و واریانت

"ب" فقط پذیرش پناهندگان هائی که از اروپای آیند را تضمین می‌کند. ایتالیا هیچیک از این دو واریانت را امضاء نکرده است). وی گفت که از این عده تنها ۲۰ نفر در سال قادر خواهند بود به مقصد کشورهای نظیر نروژ، هلند، کانادا، آمریکا خارج شوند. طبق اظهارات ایرانیان همکاری نزدیکی بین دولت ایران و ترکیه بر سر کسب و کارها وجود دارد که فرار افراد از مرز ترکیه را بسیار مشکل و تحویل دادن ایرانیان قرار می‌دهد و دولت ایران را محتمل می‌کند و چنین امری منطقی می‌تواند صحت داشته باشد. آقای "وای سینگر" که شخصاً با مقامات سفارت آلمان در ترکیه ملاقات کرده بود، اظهار می‌داشت که این مقامات عملاً ایرانیان را برای کارهای پنهان سر می‌دهند و مانند

سپس آقای "هرزمان" دربارهٔ محدودیت قوانین پناهندگی در آلمان از سال ۱۹۸۲ به این طرف صحبت کرد. وی گفت که تعداد پناهندگان در آلمان بسیار ناچیز است. درصد پناهندگان به کل جمعیت آلمان قبلاً حدود ۲٪ بود که ممکن است تا نزدیک به ۴٪ در سالهای اخیر رسیده باشد. بطور مثال در ۱۳ مارس ۸۶ رأیالت هسن حدود ۷۵۰ پناهنده و متقاضی پناهندگی وجود داشته، وی محدودیت های اخیر را به شرح زیر برشمرد:

۱- قبلاً متقاضیان پناهندگی می‌توانستند وارد وگاههای پناهندگی را ترک کرده و خانه بگیرند. این حق بشدت محدود و در بسیاری نقاط لغو شده است.

۲- پناهندگانی که از بلوک شرق می‌آمدند تا یک سال و پناهندگان کشورهای جهان سوم تا دو سال حق کارند اشتند (در صورت عدم شناسایی بعنوان پناهنده). این مدت به ۲ سال برای گروه اول و ۵ سال برای گروه دوم افزایش پیدا کرده است.

۳- کمک سوسیال (اداره امور اجتماعی) که قبلاً غالباً نقدی پرداخت می‌شد، به شکل جیره خشک یا غذا داده و در مورد لباس بشکل Schein (برگه‌ای که پناهنده از طریق تحویل آن به فروشگاه می‌تواند لباس به همان قیمت درج

شده در آن برای خود بخرد) تغییر یافته است. ۴- اینکه متقاضی پناهندگی باید حتماً در محدوده معینی زندگی کرده و حق خروج از آن نداشته باشد، از موارد جدید محدودیت حقوق پناهندگی است.

۵- جریمه و مجازات های جدید برای اعتراض پناهندگان به وضعیت زندگی خود.

۶- قبلاً اداره سوسیال پول کلاس زبان برای متقاضیان پناهندگی می‌پرداخت که این مسئله حذف شده و فقط گروههای داوطلب برای پناهندگان کلاس می‌گذارند.

۷- طبق مقررات اخیر، برای گرفتن پناهنده گی باید ویزا داشت و شرط دادن ویزا اینست که فرد تقاضای پناهندگی نکند!

۸- ویزای ترانزیت اجباری شده و چنانچه کسی از چند کشور بشکل ترانزیت عبور کند، برای همه آنها ویزای ترانزیت باید داشته باشد (منظور سفر هوایی است)

۹- برای شرکت های هواپیمائی، اگر افرادی را باید آرک جعلی وارد کنند، ۲۰۰۰ مارک جریمه تعیین شده است. طبق نظر آقای "هرزمان" مقدار جریمه اصل مطلب نیست، بلکه اصل مطلب اینست که آژانس ها حاضر نیستند در عواید حقوقی با دولت درگیر شوند و لذا ورود افراد را بشدت کنترل می‌کنند.

۱۰- اخیراً مرز ترکیه، بکمد دولت آلمان کنترل کامپیوتری تعبیه شده، که خروج پناهندگان را از این کشور بشدت محدود می‌کند.

۱۱- موارد بسیاری از پورت غیرقانونی متقاضیان پناهندگی از مرز برلین و غیره دیده شده که مطرح کرده اند: "تواظرت یک کشور دیگر (مثل پاکستان) آمده ای و حق تقاضای پناهندگی در آلمان را نداری".

در پایان نشست بحث آزادی انجام گرفت و طی آن شرکت کنندگان در لایحه تصدیقاتی که دولت آلمان علیه پناهندگان اتخاذ کرده است را مورد بررسی قرار دادند.

عراق سخن گفت، وی همچنین خواستار توقف بی درنگ راسیسم در جامعه سوئد شده، به نقش سازمان ضد جاسوسی سوئد (Sjöpo) در تقویت راسیسم اشاره کرده و دولت سوئد را شایسته انتقاد قرار داد. در انتها خواننده های از یار آگوسته ترانه ای زیبا برای نیگا آگوسته خواند و بدینسان تظاهرات برعلیه راسیسم با موفقیت خاتمه یافت بدین آنکه در تلوویزیون سوئد انعکاس یابد!

این تظاهرات بدعوت چند انجمن ضد راسیستی، چندین اتحادیه کارگری و یاهمکاری کانونها و انجمن های مهاجرین برگزار گردید. تعدادی از گروه های سیاسی ایرانی، از جمله رفقای ما، چند روز قبل از آغاز تظاهرات با پخش اعلامیه و چسباندن آفیش، فعالانه در سازمان دهی تظاهرات شرکت کردند. در چند سال اخیر چنین اجتماعی برعلیه راسیسم در سوئد بی نظیر بوده است.

نژاد پرستی را منوقف کنید!

استکهلم - سوئد: روز شنبه ۷ ژوئن استکهلم شاهد تظاهرات پرشکوه بیش از ۲۰۰۰ نفر از ملیتهای گوناگون (سوئد، یها، مهاجرین و پناهندگان) علیه راسیسم (نژاد پرستی) بود. پیش از صدها پلاکارد و پرچم در دستهای تظاهرکنندگان حمل می‌شد و هبا عکاس و خبرنگار به همراه صف راهپیمایان حرکت می‌کردند. گروه رقص و موسیقی جلوی صف و صدای راهپیمایان، که فریاد می‌زدند: "ما بسیاریم، ما قوی هستیم، راسیسم را منوقف کنید! همین حالا - همه بستگی بین المللی - راسیسم را منوقف کنید! ...". توجه همگان را بخود جلب کرده بودند. تظاهرکنندگان از ملیتهای گوناگون (از آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا -

عرب، ایرانی، ترک، کرد، فلسطینی، فنلاندی، یونانی، نیگاراگوانی - از خورد و و ...). همبسته و یکپارچه، برای انسانها را صرف نظر از نژاد، مذهب، رنگ و ملیت فریاد می‌زدند و هر گونه سرکوب و تحدید حقوق انسانی را محکوم می‌کردند. راهپیمائی پس از طی چند کیلومتر در خیابانهای مرکزی، در یکی از پارکهای شهری پایان یافت. در قسمت سخنرانی و قرائت بیانیه، سخنرانی یک کشیش سوئدی جلب نظر نمود. او سخنرانی خود را با "سلام بر بیروت، سلام بر تهران، سلام بر تبریز، شیراز، استانبول، سلام بر آمریکا لا تین و ...". شروع کرد و در ادامه سرکوب های خونین رژیم خمینی و رژیم های دیکتاتوری ترکیه و

تظاهرات علیه بازداشت پناهندگان در کشتی

تظاهرات ایستاده پناهندگان در شهر فلبرت

لندن

هفتم ژوئن ۸۷ پناهنده دعوت یکی از گروه‌های ترقیخواه انگلیس بنام "گروه مبارزه ضد اخراج Hackney Anti-Deportation Campaign" تظاهرات ایستاده‌ای به منظور جلوگیری از اخراج تعدادی پناهنده، بعمل آمد. این پناهندگان هم‌اکنون در یک کشتی (Earl Williams) در بندر هارویج - Harwich - که به‌عنوان بازداشتگاه موقت استفاده می‌شود، نگهداری می‌شوند. تظاهرات در کنار کشتی برگزار شد. تقریباً ۷ نفر از ملیت‌های مختلف از جمله ایرانی در آن شرکت کردند. ایرانیان سه که حدود ۳۰ نفر بودند - به دعوت "کانن ایرانیان لندن" و کمیته پناهندگان کانن - در این تظاهرات شرکت کرد. همه بودند. تمامی خیابانهای اطراف بندر و محل تظاهرات بوسیله پلیس ضد شورش تحت کنترل قرار داشت. پس از پایان تظاهرات در ونفرا زسوی کانن و د ونفرا زطرف کمیته پناهندگان باتلاش بسیار موفق شد تا آزادانه مهاجرت اجازه ورود به کشتی را بگیرند. آنان با پناهندگان، که تعدادشان ۸۱ نفر - از جمله ایرانی - بود، گفتگو و مصاحبه بعمل آوردند و از آنها عکس و فیلم برداری شد. گزارش این تظاهرات و شرایط روحی و زیستی تأسف آور پناهندگان این بازداشتگاه در روزنامه‌های محلی انعکاس یافت. گزارشی نیز در این مورد به سازمان عفو بین الملل داده شد.



آلمان غربی پناهندگان شهر "فلبرت" واقع در ایالت "نورد راین وست فالن" برای اعتراض به ماهها فشار ناشی از شرایط نامناسب زندگی، در تاریخ ۴/۵/۸۷ در مقابل سوسیال (اداره امور اجتماعی) شهردست به تظاهرات ایستاده زدند. آنها با این اقدام خواستار بهبود وضعیت "لاگر"، بوجود آمدن امکانات ورزشی و برداشت پول ماهیانه خود از طریق بانک گردیدند. طبق معمول اداره سوسیال از پذیرش خواست پناهندگان خودداری کرد. پناهندگان به حرکت خویش ادامه دادند و در ضمن از نیروهای ارتقی و بشردوست آلمانی خواهان حمایت و انعکاس وضعیت خود در میان مردم شهر گردیدند. تعداد بسیار زیادی از مردم شهر با جمع آوری امضا به حمایت از پناهندگان برخاستند و روزنامه‌های محلی نیز مشکلات آنها را منعکس کردند. پناهندگان در تاریخ ۸/۵/۸۷ با تهدید به اعتصاب و حمایت نیروهای آلمانی، موفق شدند بخشی از خواسته‌های خود را بگیرند.

اعتصاب برای اعتراض به کاهش حقوق و جیره غذایی

هانور - آلمان غربی: اخیراً اداره امور اجتماعی هانور ۸ مارک از حقوق ماهانه ۱۵ مارک از جیره غذایی ماهانه پناهندگان کم کرده است. در اعتراض به این فشارها پناهندگان در هانور بزرگ شهر هانور بناهای "هالتنهورف" و "شولنبورگر" از روز ۶/۶/۱۹۸۷ دست به تحریم گرفتن غذا زدند. نمایندگان اعتصابیون به ترتیب روزهای سه‌شنبه ۲/۶/۱۹۸۷ و پنجشنبه ۴/۶/۱۹۸۷ با حضور رسمی بنام "هفته اعتراض به دادن کوبین به پناهندگان" و "شورای پناهندگی" در وزارت تغذیه، خواستار به‌حق خود را مطرح کرده و با وزیر تغذیه ایالتی مذاکره نمودند. پناهندگان روز هفتم ژوئن با دست یافتن به خواسته‌های خود به اعتصاب پایان دادند.

کنفرانس علیه استرداد پناهندگان در لندن

گروه ضد اخراج "هکی" (Hackney Anti Deportation Campaign) در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۷ برای افشاء و مقابله با اخراج پناهندگان کنفرانسی را ترتیب داد. در این کنفرانس یک نماینده مجلس و چند تن دیگر سخنرانی کردند. کمیته پناهندگان کانن - ایرانیان لندن از این کنفرانس حمایت نمود، و در آن شرکت کرد.

پناهنده ایرانی خودکشی کرد

روز ۱۵/۶/۸۷ جسد یک پناهنده ایرانی ۲۲ ساله بنام بدیع درهایم پناهنده گی شهر هاتر زهایم - آلمان غربی پیدا شد. او ۱۰ ماه بود که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته و به آلمان فدرال آمد. کمیته دفاع از پناهندگان سیاسی - فرانکفورت در تاریخ ۲۵/۶/۸۷ رسماً این خبر را راحت کنند را اعلام کرد و علت خودکشی را فشارهای روحی و روانی حاصل از تبعیضات، اجحافات و تحقیرهایی دانست که هر روز و هر ساعت از طرف مقامات اداری و ولتی آلمان غربی بر پناهندگان روا داشته می‌شود.

گزارش از اردوگاه پناهندگی "پتی شانور (پتیک)

می‌باشد پیوسته در جهت آزار پناهندگان قدم برمی‌دارد. او با استفاده از اختلافات بین ملیت‌ها بخصوص در جهت آزار پناهندگان ایرانی برمی‌آید و در این راه از برخی سیاه‌پوستان ناآگاه کمک می‌گیرد. پناهندگان این‌ها هم خواسته‌هایی از این قرار دارند:

- ۱- پذیرفتن کلیه ۴ پناهنده‌های که از زمانه پیش به بلژیک آمده‌ولی هنوز بعنوان مقاصد پذیرفته نشده‌اند.
- ۲- برداشت حقوق تعیین شده، تهیه لوازم بهداشتی برای پناهندگان، اجازه خروج ازهایم.
- ۳- رفع شرایط نامساعد درهایم.
- ۴- تقسیم سریع ازهایم مزبور به کمونهای شهری.

کانن پناهندگان سیاسی هانور - آلمان غربی در شماره ۲۷ "خبرنامه" خود گزارش زیر را درج کرده است. ما برای اطلاع خوانندگان "پیام کارگر" عین گزارش را از خبرنامه مذکور نقل می‌کنیم:

"این‌ها هم که در بروکسل واقع شده‌است در آرای... پناهنده‌هایی باشند که از این تعداد تقریباً ۳ نفر ایرانی هستند. وضع بهد اشتی هایم بسیار اسف بار می‌باشد. بطوریکه برای کل پناهندگان ۷ دوش وجود دارد و از این جهت اکثر د چار بیماری‌های پوستی هستند. آنها از گرفتار شاین (معرفی نامه ایست بجای پول - پیام کارگر) برای مراجعه به دکتر در مان بیماری محروم می‌باشند. رئیس‌هایم که شخصی بنام "پالینگ"

تظاهرات علیه استرداد پناهندگان در برلین

روز چهارشنبه ۱۷/۶/۸۷ کانن پناهنده‌های سیاسی ایرانی در برلین غربی و Pluchburg, Kontakt Arabische Pluchburg آکسیون را علیه استرداد پناهندگان در جلوی دفتر هواپیمائی پان آمریکا برگزار کردند. این آکسیون که از ساعت ۴ شروع شده بود بمسدت ۱/۵ ساعت طول کشید. شرکت کنندگان در آکسیون عکس‌هایی از جنایات جمهوری اسلامی را به همراه داشتند. غیر از ایرانیان تعدادی از پناهندگان عرب و تعدادی از نیروهای آلمانی نیز در آکسیون شرکت کرده بودند.

نامه سرگشاده پناهندگان ایالت بایرن - سازمانهای سیاسی و انجمنهای دموکراتیک پناهندگان

د ر تاریخ ۸۷/۷/۱۹ نامه ای سرگشاده خطاب به سازمانهای سیاسی و انجمنهای دموکراتیک پناهندگان ایرانی از سوی پناهندگان ایرانی، عراقی و افغانی در لاگرهای (۱) "کوبورگ" "شافهوف"، "موگندورف" و "لاندوس هوت" دریافت کردیم. این نامه با طرح مسائل زیست و معیشت پناهندگان در ایالت بایرن و بی توجهی مسئولین مربوطه به تقاضاها و اعتراضات پناهندگان از کلیه سازمانهای سیاسی و انجمنهای دموکراتیک ایرانی و آلمانی تقاضای کندتسا از مبارزات آنها برای کسب حقوق خود حمایت فعال کنند. ما برای اطلاع عموم از خواستها و مشکلات پناهندگان بایرن قسمت هایی از این نامه را اینجا در زود می کنیم.

"با احترام و سلام بسیار به شما، همانطور که مطلعید ما پناهندگان ایرانی، عراقی و افغانی در لاگر د رکوبورگ از روز ۱۷ می، لاگر شافهوف نورنبرگ از روز ۴ یونی، لاگر موگندورف از روز ۱ یونی و لاگر لاندوس هوت از روز ۲۲ یونی بخاطر تحقق خواستههای مهممان دست به پاکوت جیره تحمیلی غذای خود زدیم. در این مدت موفق شدیم کارزار خود را در نقاط مختلف استان بایرن هماهنگ ساخته، در چهار رجب امکانات معین و محدود خود با سازماندهی اراده واحد پناهندگان ساکن لاگرهای فوق الذکر مبارزه ای یکپارچه را پیش ببریم. تاکنون ضمن جلب حمایت بخشی از انجمنهای دموکراتیک و احزاب مترقی آلمانی در شهرهای محل سکونت خود موفق به سازماندهی بزرگترین راهپیمایی پناهندگان در چند سال اخیر در نورنبرگ، رگنزبورگ و لاندوس هوت شدیم.

اینک بخاطری گیری اهدا عادلانه مان مقابل کلیسای لورنس در شهر نورنبرگ، در کلیسای موریتس در رکوبورگ، در میدان مرکزی فورشایم در موگندورف و نیز در رگنزبورگ و لاندوس هوت دست به تحصن زدیم.

در قسمت دیگری از نامه، ضمن برشمردن شرایط بسیار ناگوار زندگی در لاگرها و ضرورت ادامه اعتراض برای استیفای حقوق خود مصرانه از همه نیروهای دموکرات تقاضای میکنند به هر شکل که می توانند ام از: "راهپیمایی، تشکیل میتینگ افشاگرانه، تحصن، ارسال نامه سرگشاده یا تلگرام به مقامات مسئول آلمانی و نهادهای جهانی چون: صلیب سرخ، عفومین الملل و همچنین کمک مالی به حمایت از آنها برخیزند.

نامه در پایان اضافه می کند: "همچنین بطور شخص پیشنهاد می کنیم در سراسر آلمان روز ۲۵ یولی را روز همبستگی با حرکت اعتراضی پناهندگان بایرن اعلام کرده و در تمامی شهرهای بزرگ آلمان که تشکلهای دموکراتیک مدافع حقوق پناهندگان و سازمانهای سیاسی مترقی ایرانی در آن حضور دارند راهپیمایی اعتراضی کنیم.

یادآوری میکنیم که اعتراضات اخیر حول سه خواست: ۱- پرداخت پول به جای جیره غذایی ۲- دادن منزل مسکونی مستقل به جای لاگرهای کثیف و غیرقابل زندگی ۳- پایان دادن به سیاست طولانی کردن مدت رسیدگی به تقاضای پناهندگی صورت می گیرد.

(۱) لاگر محل اسکان جمعی پناهندگان در آلمان است.

تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق و برای

دفاع از زندانیان سیاسی

گوتنبرگ - سوئد: هواداران سازمان وحدت کمونیستی، حزب کمونیست ایران (کوهلسه)، اتحادیه کمونیستها، سچفا، دکتورشیرعتی و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) روز شنبه سیزدهم ژوئن با تشکیل کمیته ای متحد تظاهراتی را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران در شهر گوتنبرگ - سوئد برگزار کردند. تظاهرات با شرکت حدود ۱۵۰ نفر از ایرانیان مبارز و تعدادی غیر ایرانی منجمه چندین عراقی، با شعارهایی مبنی بر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، قطع فروش سلاح سوئدی به طرفین درگیر جنگ، محکومیت جنگ ارتجاعی و در حمایت از زندانیان سیاسی ایران، از یکسای از میدانهای اصلی شهر به راه افتاد و مدتی مسیر خنوبی از خیابانهای مرکزی گذشت. شرکت کنندگان در تظاهرات با اعلام شعارها به صدای بلند، توجه مردم سوئد را به اهداف حرکت خود جلب نموده و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را افشا کردند. کمیته مشترک برگزارکننده تظاهرات بعد از قرائت قطعنامه زیر با موفقیت راهپیمایی را به پایان رساند:

- ما شرکت کنندگان در تظاهرات از دولت سوئد می خواهیم تا:
۱- قرارداد های ضد وراسلحه از طرف صنایع نظامی سوئد را به ودولت در حال جنگ ایران و عراق متوقف ساخته و فاش نماید!
۲- رژیم جمهوری اسلامی ایران را تحریم کامل اقتصادی نماید!
۳- برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران تلاش ورزد!
قطعنامه تظاهرات برای دولت و نخست وزیر سوئد ارسال گردید.



تظاهرات علیه حزب الله

(استکهلم - سوئد): در ۱۷ مه ۸۷ حزب - الهی ها و مزدوران رژیم - از جمله عربها و کردهای وابسته - به مناسبت روز قدس تظاهراتی برپا کردند. تعداد آنها به ۱۵ نفری رسید. به همین منظور کمیته ای از سازمانها و گروههای سیاسی مترقی ایرانی برای برگزاری تظاهراتی همزمان و افشاگرانه تشکیل شد و تظاهرات موفقیت آمیزی را با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر سازمان داد.

تظاهرات کنندگان با شعارهای "خمینی فاشیست قاتل مرگ بر رژیم تروریستی ایران"، "مرگ بصر خمینی"، "سرنگونی باد جمهوری اسلامی" و ... اعتراض و انزجار خود را نسبت به تظاهرات مزدوران رژیم ابراز نمودند مابین تظاهرات، برخلاف سال گذشته، بهد رگیری نیانجامید و رسانه های گروهی و مطبوعات سوئد منعکس شد. از جمله روزنامه "د آگنزی هیتز" Dagens Nyheter روزنامه پورتیراز صبح سوئد - با چاپ عکسی از تظاهرات ضد خمینی در صفحه اول نوشت: "همزمان با تظاهرات طرفداران خمینی مناسبت روز قدس پناهندگان و مهاجرین ایرانی تظاهراتی برپا داشته و علیه خمینی و رژیم ایران شعار دادند."

اکسیون مشترک پناهندگان در هایدلبرگ

روز ۸۷/۷/۱۱ حدود ۱۵۰ نفر از پناهندگان ایرانی و ایتالیایی به منظور اعتراض به شرایط زندگی پناهندگان و فشارهای اخیر ادا و قدرال پناهندگی در آلمان نسبت به پذیرش حق پناهندگی، در مرکز شهر هایدلبرگ دست به تظاهرات زدند. در این حرکت که جمعی از پناهندگان ایرانی مقیم هایدلبرگ در آن فاصله بودند، اعلامیه هایی بزبان فارسی و آلمانی درباره موضوع اعتراض از جانب آنان پخش گردید.

خود کانون جشنی بظهور گرد هم آئی پناهندگان و معرفی کمیته برگزار کردید. این جشن که حدود ۲۰ نفر از ایرانیان در آن شرکت کردند، شامل برنامه های زیر بود: نمایش نور و صدا و شعر - خوانی، نمایش اسلاید، گزارش یک پناهنده از وضعیت پناهندگان ایرانی در پاکستان، تأثیر، خاطرات یک پناهنده از جنگ و خروجهش از ایران و اجرای ترانه های ایرانی.

ادامه از صفحه ۱

تظاهرات بزرگ ...

راههای شهرهای اطراف تقسیم نمایند. مقامات محکم پناهندگان و حمایت نیروهای مترقی آلمانی، که در وهام رنجبرسته بودند، پلیس و مقامات ایالتی را وادار به عقب نشینی نمود. علی- رقم اعتصاب بلند مدت و تظاهرات بزرگ پناهندگان، دولت راست ترین جناح - روزوازی آلمان در ایالت بایرن کوچکترین توجهی به خواستهای به حق پناهندگان نکرد و بر فشارهای خود افزود. است تابه پیروی از سیاست همومی دولت مرکزی آلمان و سایر امپریالیستها زمینه های مناسب قرار داد های چندین دهه ملیاودی را با رژیم جنایتکار اسلامی فراهم نماید.

در این رابطه رفقای ما در فرانکفورت با انتشار اعلامیه ای از هموطنان آگاه و مبارز، کانونهای دموکراتیک پناهندگان و نیروهای سیاسی مترقی و بشردوست خواستند که متحدان تشکیلی - سند و قهای کمک مالی و بسیج نیروهای مترقی آلمانی و با تجمع و برگزاری اکسیون های اعتراضی از پناهندگان اعتصابی استان بایرن حمایت کنند.

تظاهرات علیه سفر ریگان به برلین غربی

تظاهرات ۷ هزار نفره در برلین، بناسبت ورود ریگان و شرکت اود رچسنهای ۲۵ ساله این شهر، اوج حرکت اعتراضی نیروهای پیشرو برضد سیاستهای بغایت راست امپریالیسم آمریکا بشمار می آید. این تظاهرات که رسماً با شرکت ۲۸ حزب، سازمان و انجمن های مترقی و بطور غیر رسمی با حضور تقریباً ۲۰ گروه و سازمان برپا شد، تاکنون سابقه نداشته است. از سوی دیگر، پلیس نیز به گونه بی سابقه ای بسیج شده تظاهرات را زیر کنترل داشت. هزاران پلیس از شهرهای آلمان غربی به اینجا گسیل شده بودند. روزنامه ها تعداد آنها را ۱ هزار نفر برآورد کردند. در طول راه پیمائی و حتی قبل از آغاز آن اعلامیه های پلیس مبنی بر حمایتش از تظاهرات و دعوت به عدم درگیری در میان تظاهرنندگان پخش گردید. شعارهای "مرگ برای الیزبیت آمریکا"، "آمریکا مرکز جنایات جهان" و شعارهایی در حمایت از خلع پادشاهی نیکاراگوا، ایران، ترکیه و سریلانکا، کاملاً برجسته

بود. هواداران راه کارگر - برلین غربی طی اطلاعیه ای دعوت به شرکت در این تظاهرات نموده و پرچم بزرگی باشعار "مرگ برای الیزبیت آمریکا" را با خود حمل می کردند. سرانجام در میدان "ویتن برگ" (Witenberg Pl.) محل پایانی تظاهرات، درگیری با پلیس بوجود آمد و تظاهرنکندگان از هرسویه پلیس سنگ پرتاب می کردند. شیشه های تعدادی از بناها و مغازه ها شکسته شد و مرکز شهر بصورت یک منطقه جنگی درآمد. پلیس با گاز اشک آور به مقابله برخاست و زد و خورد به منطقه کرویتسبرگ کشیده شد و تا صبح ادامه یافت. به گفته مقامات رسمی در این روزها ۵ نفر دستگیر شدند. روز بعد پس وجود اینکه پلیس هرگونه تظاهرات را ممنوع اعلام کرده بود جمعیتی در حدود ۲ تا ۳ هزار نفر در مرکز شهر که کاملاً در اشغال پلیس قرار داشت گرد آمدند و علیه امپریالیسم آمریکا شعار دادند.

هفته انترناسیونالیسم پرولتری

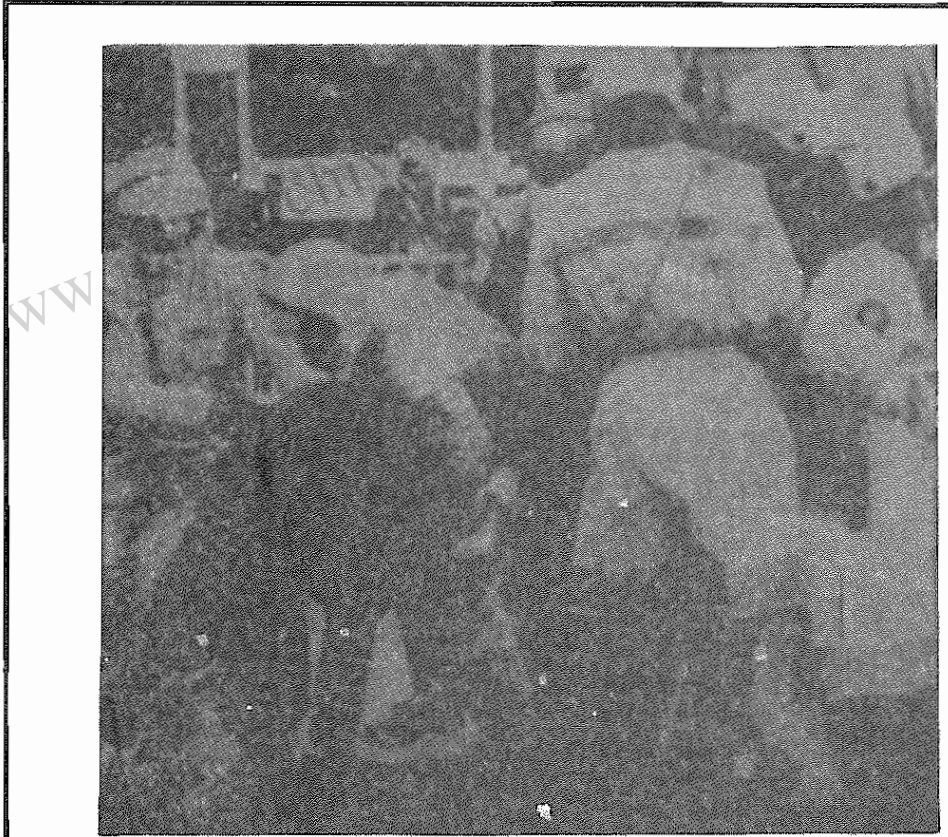
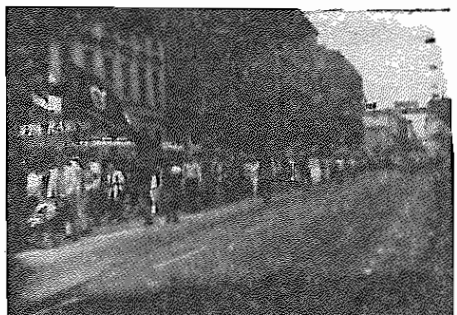
برلین غربی - بدلیل سفر رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا به برلین و نشستهای رهبران کشورهای امپریالیستی، جنبه خلق (Vols Front) در برلین غربی گروهها و سازمانهای مترقی آلمانی و خارجی را برای برگزاری هفته انترناسیونالیسم پرولتری دعوت کرد. این جلسات با شرکت گروهها و سازمانهای مترقی کرد، ترک، ایرانی، تامیلی و آلمانی از همفتمتاهند همزبون برگزار گردید. طی این روزها نشستهای متنوعی حول مسائل ترکیه و کردستان، زندانیان سیاسی در آلمان (برلین غربی)، آفریقای جنوبی، سریلانکا برگزار گردید و در رابطه با هر یک از موضوعات فوق، بحث و سخنرانی بعمل آمد. روز ۱ ژوئن که اختصاص به ایران داشت، نمایندگان سازمانها و گروههای ایرانی (بیکارگر، گرایش انقلاب سوسیالیستی، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین غربی، هواداران سچفخا - برلین غربی و هواداران سازمان در برلین) در مورد تشکلهای سازمانهای خود صحبت کردند. رفقای مانیزگار رش کوتاهی از تاریخچه تأسیس سازمان داده و قسمتهایی از طرح برنامه سازمان را که به زبان آلمانی ترجمه شده بود قرائت کردند.

در روزیایانی هفته انترناسیونالیسم پرولتری، شرکت کنندگان ضمن بررسی نکات ضعف و قوت این گرد همائی، بر ضرورت اینگونه تماسها تأکید کردند.

ترقیبخواهان علیه تژاد پرستی

استکهلم - سوئد

راسیست ها هر هفته روزهای شنبه در میدان مرکزی استکهلم گرد می آیند و شعارهایی علیه مهاجرین و پناهندگان می دهند. در روز شنبه ۱۶ مه ۸۷ "انجمن ضد راسیست" دعوت به میتینگی برضد راسیسم کرد که حدود ۵۰۰ نفر از سوئدی ها و خارجی ها در آن شرکت کردند. "سندیکای کارگران مترو و اتوبوسرانی - STI"، "اتلس کویکو و... باشعار" کارگران علیه راسیسم" از این حرکت حمایت کردند. از سوی گروهی از ایرانیان مترقی در حمایت از این حرکت پیامی داده شده که در میتینگ خوانده شد. با متفرق شدن راسیستها، تظاهرات ضد راسیسم نیز پایان یافت.



استکهلم - سوئد: تظاهرات علیه سیاستهای آمریکا در آفریقای جنوبی و امریکای لاتین

شد که به زخمی شدن عده زیادی از تظاهرنکندگان و دستگیری بیش از ۹ نفر انجامید. از جمله مهاجرین خانم BERIT BENZLER، دبیر سازمان جوانان حزب کمونیست چپ سوئد (V PK) بود. این تظاهرات در شب بعد در برابر سالن کسرت استکهلم نیز انجام گرفت و با آتش زدن پرچم آمریکا، پلیس به تظاهرنکندگان یورش برد و تعدادی را بازداشت کرد. نانسی ریگان در مصاحبه با مطبوعات سوئد از این تظاهرات خشونت آمیز اظهار تعجب و تأسف کرد!

همزمان با برگزاری اجلاس سران کشورهای صنعتی غرب در رونیاز ایتالیا، نانسی ریگان - همسر رئیس جمهوری آمریکا - برای یک دیدار سه روزه با ژنرال و مطالعه سیستم د رمانی معتادین مواد مخدر رد رسوئد، همراه با ۳ پلیس محافظ خود، وارد این کشور شد. در همان روز، تظاهرات متعدد دی در مخالفت با سیاستهای آمریکا در آفریقای جنوبی و امریکای لاتین و در استکهلم برپا گردید. همچنین شب دوشنبه ۸ ژوئن تظاهرات خشونت آمیزی در برابر هتل Grand - محل اقامت نانسی - برگزار

در حاشیه جنگ تجاری اخیر آمریکا و ژاپن

آمریکا" و... اشاره می کنند. یکی از نویسندگان ژاپنی حتی وارد منطقه ممنوعه شده و مشغول به نویسندگی چهل سال پس از جنگ دوم جهانی، ماهنوز قادر به خلاص کردن خود از قیومیت آمریکا نیستیم. اما آمریکا توانایی قضات را از دست داده و تقاضاهای بیپوده می کند. شاید تقریباً زمان آن رسیده باشد که ما گفتن سهم هر کس چقدر است را شروع کنیم. " شاید تا زمانی که بورژوازی ژاپن روند این گفتن را شتاب دهد هنوز فاصله داشته باشیم، اما روند پس راندن آمریکا و محصولات و شیوه زندگی آمریکائی می توانست که شروع شده است، رستورانهای منحصربه ژاپنی ها پیدا شده اند، و رغبت به محصولات آمریکائی کمتر میشود و بورژوازی ژاپن به قول سرد بیرنشریبه وال استریت آسیا - جاب هنگ کنگ، " اروپا را به مثابه بیوتیک، آمریکا را به مثابه مزرعه همس را در خدمت ژاپن که تنها جامعه تکنولوژیک پویا می باشد، " می بینند.

هنوز قضات در مورد این روند و نتایج آن زود است. آیا ژاپن به لحاظ سیاسی خود را از قیومیت آمریکاها خواهد کرد و یا این دوره، خطرناک تر و گول زننده تر از آن است که پرفسور تاریخ ژاپن، پیش بینی می کند؟ آینده جنگ سرکردگی هر چه باشد، متفکرین دوطرف علاوه بر آثارهای اقتصادی مجبور خواهند شد، قدرت روزافزون کشورهای سوسیالیستی، تأثیر دواخبر حمران عمومی سرمایه داری در آگاهی و دید آری کارگران کشورهای متروپل و توفان انقلاب در کشورهای "جهان سوم" را نیز در پیش بینی های خود منظور کنند.

تذکر: منبع اطلاعاتی این نوشته، مقاله مند رچ در مجله عصر جدید بتاريخ ۱۷ مه ۸۷ می باشد.

راستی محترم، فضایی وابسته به حزب لیبرال - دمکرات، مؤسسات تحقیقات تاریخی و اجتماعی ژاپن و بالاخره نشریات ژاپنی به مرور از واقعیت "اجتناب ناپذیری" سقوط امپراطوری آمریکا که شباهت به سقوط امپراطوری رم خواهد داشت، سخن می گویند. یک پروفیسور تاریخ اظهار میدارد که "در مورد آینده آمریکا تردیدی نیست. این آینده در ویست سال قبل توسط ادوارد گیبسون در کتاب "تاریخ نزول و سقوط امپراطوری رم شرح داده شده است. مانه فقط متوجه این واقعیت شده ایم، بلکه خود را برای دوره خطرناک و همراه کننده سقوط امپراطوری آمریکا آماده می کنیم."

آمارهای اقتصادی سالهای اخیر، به اقتصاد دانان ژاپنی فرصت بررسی علمی جزئیات پروسه انحطاط آمریکا و فروپاشی اقتصادی آن را داده و به آنها دل و جرات میدهد که تبدیل ژاپن به بزرگترین قدرت اقتصادی جهان - سرمایه داری را طی ۲۰-۱۰ سال آینده پیش بینی کنند. آنها در عقب ماندن آمریکا به لحاظ تکنولوژی (به جز تکنولوژی نظامی و فضایی - هوایی) گریز، برگشت ناپذیری را می بینند که در پایان به سرکردگی تکنولوژیک ژاپن منجر شده و به همین دلیل توجه بورژوازی ژاپن را به نقطه "تحسین" از سوی رقبا، بلکه هم چنین "ترس" و "طغیان خشم" آنها جلب کرده و به نمونه های اخیر اقدامات ضد ژاپنی در آمریکا (بد رفتاری بنا بر ژاپنی ها در آمریکا، و رو آمدن ادبیات ضد ژاپنی با مضمون هشدار درباره "توطئه ژاپن بر علیه

جنگ تجاری آمریکا و ژاپن که مضمون آن مبارزه برای سرکردگی در ارضای امپریالیسم است، اخیراً با تصمیم دولت ریگان که ورود بسیاری از کالا های ژاپنی را به آمریکا با اتخاذ سیاست تعرفه گمرکی بالا عملاً غیرممکن کرده وارد مرحله حادتری گردیده است. توجه به این مسأله از اهمیت بسیاری برخوردار است. در مقاله حاضر هر چند به اختصار به این مطلب می پردازیم.

تا همین چند سال پیش، تقلید از "شیوه زندگی آمریکائی" حتی در جزئیات آن نزد بسیاری از ژاپنی ها به ویژه مدیران عالی رتبه، مهندسان و تکنوکراتها، امری رایج بود. این تقلید و رکنار اخذ تکنولوژی آمریکا و یادگیری شیوه های مدیریت آمریکائی و پیوند فشرده اقتصاد د و کشور، پایه های وابستگی سیاسی اقتصاد ژاپن به آمریکا را که پس از شکست در جنگ جهانی دوم بوجود آمده بود، محکم تر می نمود. اما پس از آنکه بورژوازی ژاپن و به ویژه متفکرین آن مزه اولین پیروزیهای اقتصادی را چشیدند و پس از آنکه کالا های ژاپنی به مرور، به مثابه سمبل "کیفیت مرغوب" شناخته شده و با زوایای سنتی سایر دول معظم سرمایه داری یکی پس از دیگری به روی محصولات ساخت ژاپن گشوده شد، تردیدها و تفکرات جدیدی به مرور شکل گرفتند. زمینه های تاریخی این تأملات به میلیتاریسم نژاد پرستانه ژاپنی که گذشته سیاه و جنایتکارانه اش، برای تمام خلقهای سرزمینهای همسایه ژاپن خاطره مرگ و نکبت رازنده نگه داشته است، بر میگردد. متفکرین بورژوازی ژاپن، پروفیسورهای دست

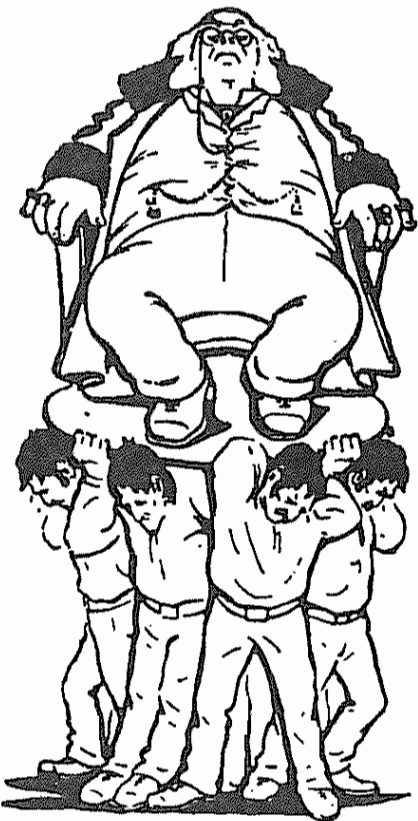
برزیل - کامپیوتر و بحران تجاری

برزیل نمونه وسرآمد مدلتوسعه سرمایه داری در کشورهای جهان سوم است. کشمکش و بحرانهای این کشور پوسرید هی ها، بازرگانی و سیاست خارجی، در سالهای اخیر بسیاری از وجوه برنامهای امپریالیستی برای توسعه رابطه نمایش می گذارد.

اخیراً برسر "قانون انفورماتیک" یکی از مهم ترین مشاجرات بین این کشور و آمریکا در حوزه بازرگانی در گرفته است. این قانون که در سال ۱۹۸۴ توسط کنگره برزیل برای حمایت از صنایع کامپیوتر کشور به تصویب رسید، وارد کردن کامپیوترهای کوچک را ممنوع می کند و جلوسرما به گذاری خارجی در این رشته را می گیرد. این اقدام نفوذ و گسترش شرکت های رقیب و چند ملیتی را محدود می کند و از آنجاکه برزیل ششمین کشور بزرگ دنیا و یکی از بهترین بازارها برای این صنایع است، ضرورتی که به انحصارات کامپیوتری می زند، آمریکا برای مقابله با این اقدام دولت برزیل به طرق گوناگون و

از جمله از طریق مجازاتهای بازرگانی به این کشور فشار می آورد. سال گذشته صادرات برزیل به آمریکا بیش از ۱٪ افت کرد و طبق تصمیمات جدید دولت آمریکا، ۲۸٪ قلم صادرات برزیل به آمریکا از لیست اقلام صادراتی بدون گمرک حذف شده که در سال ردود ۴۰۰ میلیون

دلاره ضرر برزیل خواهد بود. این کشمکش بیانگر آنست که مدلهای توسعه امپریالیستی تنها با این هدف اجرا می شود که در خدمت استثمار و غارت کشورهای وابسته قرار گیرد. این نوع توسعه که به قیمت فقر، بیکاری، بیسوادگی و محرومیت توده های عظیم میلیون، به قیمت بدهی های کمر شکن پیاده می شود، جز آنکه بر تناقضات و بحران های جوامع عقب مانده دامن زند کاری نمی کند. بعلاوه این بحران شکل تکامل یافته تضاد های مدلباستگی نواستعماری و تقسیم کار جدید میان متروپل و کشورهای پیرامونی را نیز نشان میدهد.



منتظری در پیس پرده تزویر

این روزها بار دیگر منتظری وارد صحنه سیاست شده و مراد بیوتلوویزین کشور با آب و تباب از دیدارها و ملاقاتهای ایشان با هیئت های مختلف خبری دهند و اطلاعاتها و بیانیتهای ایشان را با تیتروهای درشت در صفحه اول روزنامه چاپ میکند و چپ و راست لقب قائم مقام رهبری را به دلباشان می بندد تا اگر احیاناً در این باره شک و شبیهه ای در ذهن کسی ایجاد شده به طرف شود. این شبیهه البته یک چیز واقعی است و ترس رژیم ارتداد و پافتن آن قابل فهم. تعیین قائم مقام رهبری که خود به شیوه ای کودتائی در دو سال گذشته انجام گرفت با این هدف بود که اولاً مواضع جناح مسلط را در دوران پس از مرگ خمینی تعیین کند، ثانیاً در دل طرفداران رژیم روح اطمینان بدمد و ارتسوس آنها را برابرجنبش تودهای بکاهد. کاهش نقش سیاسی منتظری در همین دوره کوتاه بر حودت تزلزلات کل رژیم افزود. علاوه بر این شددت نارضایتی تودهای به چهره های مزور و مستضعف پناه نیازد ارد. به این جهت است که بار دیگر "امید است و امام" پروبال گرفته است. با این حال هم شدت تضاد های درون رژیم و هم پی اعتمادی تودهای نسبت به کلیت رژیم چند ان نقشی برای این تزویرها و تعدال کردن هانمی گذارد بلکه به

عکس حتی برای جناحهای رژیم پناهگاههایی ایجاد می کند که به حدت درگیریشان با هم بیافزایند. برای مثال، در بحثهای فقهی که اخیراً در زمینه مالکیت زمین میان جناحهای حکومتی درگیر شده بود، آقای حجت الاسلام عبائی سرپرست دفتر تبلیغات قم در کنفرانس اسلام و مستضعفین با استناد به "فقیهعالیقدر" اظهار داشت: "فقیه عالیقدر عقیده دارند که در باره مالکیت زمین اصلاً نی بایست بحث شود. ایشان تردید دارند که زمین بتواند ملوک باشد و کسی آن را مالک شود و می فرماید زمین هم مثل آب متعلق به همه مردم است." کیهان ۱۳۶۶/۱/۲۴. امام در برابر این اظهارات که علیه شورای نگهبان ایراد شده است اما می گاشانمی سخنگوی شورای نگهبان برای دفاع از موقعیت این شورا و ناخواسته به افشای چهره منتظری می پردازد و متن نامه ایشان را به فرسنگانی که علیه لایحه زمین شهری است در تلوویزیون به نمایش می گذارد. در این نامه که بتاریخ ۱۳۶۶/۱/۱۰ عواست منتظری صریحاً اعلام می کند: "بنظر اینجانب که محصول مشاهدات دوره اول این قانون است این قانون موفق نبوده است و در اغلب شهرها لایحه رگیری و نا راحتی در ست کرده است و روی هم

ضررش بیش از نفعش بود است، و اگر فرضاً در جاهای ضرورت هائی هم احساس می شد، با این قانون ضرورتاً مرتفع نشده است" کیهان ۱۳۶۶/۳/۱۹. مدعیان مستضعفین حالی می کند که بیخود پای فقیه عالیقدر را وسط نکشید، ایشان خود از همان اصول اسلامی دفاع می کنند که شورای نگهبان. این نقل قول البته بارح و اصول فقهی اسلام در زمینه مالکیت مطابقت دارد و اتحاد نظر "فقیهعالیقدر" و فقهای شورای نگهبان بر نکات مورد اختلاف آنها می چرید. این نزدیکی عقیدتی میان "فقیه عالیقدر" و شورای نگهبان در وارد و کشی اخیر مجلس و شورای نگهبان علیه یکدیگر و شکایتی که شورای نگهبان علیه مجلس به نزد منتظری برد به خوبی نمایان شد. در این دیدار، منتظری ضمن حمایت از شورای نگهبان و تأکید صلاحیت اسلامی آنها ضرورت حفظ احترام به علمای طراز اول اسلام را خاطر نشان ساخت و به آقایان شورای نگهبان توصیه کرد، رد یا تأیید هر قانون را با شخصیت های علمی و حقوقی در میان بگذارند تا شبیه ای در میان مسلمانان ایجاد نشود. به هر حال روند حوادث و دسیسه ها، پادرمیانی بزرگان رژیم برای معادل کردن امور رانه فقط بی اثر می سازد بلکه آنها را هم به مهره این یا آن جناح مبدل می سازد و بدین ترتیب بحران را به رأس قدرت می کشاند.

تداوم وابستگی به شیر نفت و سوپر تانکرها

زما مداران جنایتکار رژیم که در عرصه اقتصادی شدیدترین فشارها را بر توده کارگران و زحمتکشان اعمال می کنند، در چند سال گذشته همواره این ریاضت شدید اقتصادی و این فقر و فلاکت بی پایان را علاوه بر جنگد ریوشش رفع وابستگی، شکوفائی اقتصاد ملی و خود کفائی توجیه کرده اند.

از تباستان ۵۶ که بحران ناشی از تنزل فاحش قیمت نفت و فشار حملات هوائی عراق به ترمینال های نفتی و نفتکش ها آرزو در یافتی را به یک چهارم تقلیل داد بحران سخت و همه جانبه اقتصاد در هم شکسته رژیم را در بر گرفت. با این حال سران حکومت هرکدام به بنوبه خود این بحران را به فال نیک گرفته و اعلام داشتند: این بهترین موقعیتی است که نصیب جمهوری اسلامی شده. تا خود را از قید صاد رات نفت و تکیه بر آن بر هاند و صاد رات غیر نفتی را جایگزین آن کند.

گفته های قبلی وی و دیگر مسئولان رژیم جزعوا مفریبی و "درفهای شاخدار"، چیز دیگری نبوده! مثلاً پروتکل سه میلیارد دلاری امضا شد با ترکیه برای صد و بیست و نیم میلیون دلار رکالاً به بانصد میلیون دلار کاهش یافته و از پروتکل امضا شده برای صد و بیست و نیم میلیون دلار رکالاً های غیر نفتی به ترکیه در طی یک دوره یکساله تنها چهار میلیون دلار آن تحقق یافته است! اصل مطلب از زبان خود نبوی گویا تر است: "در زمینه کالا های غیر نفتی متأسفانه باید بگویم که در طول سال ۶۶ تنها شاید ۴ میلیون دلار از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را انجام دادیم" (کیهان ۱۳۶۶/۳/۲۱)

"... در هر حال به این شکل روی پروتکل سه میلیارد دلار تجدید نظر شد. اما همین پروتکل تجدید نظر شد هم مورد عمل قرار نگرفت. بدلیل مختلفی که بیان می کنم" (همانجا)

"بند خودم برای یک قلم صاد رات یکی از واحد های تحت پوشش صنایع سنگین که فروش ۴۰۰ دستگاه کامیون به ترکیه و تنهایی ۱۶ میلیون دلار راست و تنهایی ۱۶ میلیون دلار برای ما آرزو افزوده آوری در و شاید تا حالا چندین نامسه و چندین ملاقات با مقامات و وزرای ترک در داشتیم تا این مشکل حل شود و هنوز هم که هنوز است موفق نشده ایم" (همانجا).

بآنزده میلیون دلار برای قطعات موتور و چند میلیون دلار هزینه آعد و رفت و هزاران ساعت استعمار کارگران، و چند میلیون دلار استهلاک ماشین آلات برای یک میلیون دلار آرزو

"... صاد رات غیر نفتی مانند صاد رات نفتی نیست که شیر لوله را بگذاریم داخل سوپر تانکرو دگمه و افشارید هم و یک روزه لیوریز شود و مثلاً بشود یکصد میلیون دلار.

واقعیتش این است که چون معادلات کردیم به اینکه بسراجی باشیم و شیلنگ را بگذاریم توی کشتی و فقط نفت را البته آنها هم خودشان بیایند سر شیلنگ را بگیرند... این کار خیلی راحت است و همه می آیند خارک می برند، اما وقتی بخوایم برویم در خط صاد رات غیر نفتی، کار خیلی مشکل است." (همانجا)

در این مصاحبه که مختصری از آن را نقل کردیم نبوی اعتراف میکند خبر امضا پروتکل با ترکیه و دیگر کشورهای در زمینه صاد رات غیر نفتی پاد رهوا بوده و هیچگاه زمینه عینی و اجرایی نداشت است. نه فقط در رابطه با ترکیه بلکه در ارتباط با کشورهای نظیر سوئد، لیبی و الجزایر هم رژیم نتوانسته صاد رات غیر نفتی داشته باشد و نهایتاً صاد رات غیر نفتی هم محدود مانده به بازارهای امپریالیستی و فرش قاچاق!؟ و مقداری میوه کسه آنها هم اغلب پیش از عرضه به بازار فاسد شده است. و بدین ترتیب علیرغم تمام هیاهوی بلند گوهای رژیم درجه وابستگی به کشورهای امپریالیستی با زهم در حال افزایش است و بر میزان وابستگی به ارز حاصل از نفت با زهم افزوده می شود. کماکان جمهوری اسلامی است و شیلنگ نفت و سوپر تانکروهای امپریالیستی!

یکی از چهره هائی که در اتحاد برنامه ها و خط مشی اقتصادی رژیم نقش مؤثر داشته و بعنوان یکی از "گوبلر" های آن عمل می کند بهزاد نبوی است. او که همواره در مصاحبه ها و سخنرانیهایش ارقام نجومی و آمارهای گزاف را چاشنی تبلیغات میان تهی می یافت و از انعقاد قراردادها و پروتکل ها در زمینه صاد رات کالا های صنعتی غیر نفتی خبر می داد، این روزها بدلیل اوضاع بسیار آشفته اقتصادی شرمگینانه به شکست فاحش و ناگامی بزرگ در عرصه اقتصادی و مخصوص صادرات غیر نفتی اعتراف می کند.

در مصاحبه ای که پس از سفر اخیر وی به ترکیه و چند کشور اروپائی ترتیب یافت، اعتراف کرد که همه

آب را گل نکنید!

سازمان از شیوه منزوی کردن به ما میدهد و تئوری - ای که آقای مهتدی برای منزوی کردن راه کارگرچاشنی آن کرده است می توانیم نتیجه بگیریم که تئوری زور البته به نحو شرمگینانه ای علیه سازمان ما کار سرد پیدا می کند . منطق این سازمان د و منزوی کسردن راه کارگر عینا همان منطق جما قدری جریان توکل است که میگفت : چون راه کارگر با د رگیری فیهنکیسی مخالف است پس مدافع حزب توده است و بنا بر این او هم باید با جماعت طرفد شود . آقای مهتدی هم می گوید چون راه کارگر سازمان فدائیان خلق را بایکوت نمی کند ، خود باید بایکوت شود .

البته نمی توان انتظار داشت منطق آنها از این فراتر رود . یکی دیگر از مضمونهای دلائل این جریان است فدائی و گاهی برای اثبات یکی بودن راه کارگر با حزب توده این است که راه کارگر هم طرفدار شوروی است . در اعلامیه دیگری با امضاء ستولان سازمان ایرانیان د مکرز در رابطه با استدلال ذکر شده آمد هاست که : میان نظرات و مواضع اساسی راه کارگرها ، توده ایها ، و اکثریتی ها ، د برزمانی است که تقابلی وجود ندارد . علیرغم این واقعیت ، راه کارگری ها تنها به این دلیل که همچون همگان نشان ، دست هایشان به خون مبارزان آغشته نبود ، توانسته بود ند برای مدت زمانی خود را د رصفوف مخالفان واقعی جمهوری اسلامی و طرفداران ترقیبسی ، استقلال و آزادی ایران جا بزنند . " ملاحظه کنید که چه واقع بینی و استدلال لژی در گفته های ایشان دیده میشود . بر اساس اعتقاد اینها فرق راه کارگر با حزب توده فقط در این است که دست راه کارگری ها به خون مبارزان آغشته نشده است . آید این نظریه آب نکشیده ه ذره ای منطق میتوان یافت ؟ در واقع انزقه نظراین آقایان " مطالعه " مسائلی چون تحلیل طبقاتی ، محتوای انقلاب ، استراتژی انقلاب ، نظریه قدرت د ولتسی و د یکتاتوری پرولتاریا و د رکا زانترناسیونالیسم پرولتری که همه جز " مهمترین اصول مورد اختلاف راه کارگر و اپورتونیسم توده ای است بی اهمیت است . همین قدر کافی است راه کارگر شوروی را یک د ولت و کشور سرسیالیستی بداند تا فاصله های با حزب توده از میان برود و فقط این برای راه کارگر بماند که دستش به خون مبارزین آغشته نشده باشد . منطق و استدلال این گروهها نیز د قیاهه همان استدلال و منطق حزب توده است . حزب توده نیز ماهیت احزاب ود ولتها را نه زبرنا ه و استراتژی آنها د رجهارچوب کشور مفروض و مختصات مبارزه طبقه کارگر د ریک مناسبات اقتصادی - اجتماعی شخص بلکه از روی موضع آنها نسبت به امپریالیسم آمریکا استنتاج میکند . برای یک طرف شوروی و برای طرف دیگر آمریکا تعیین کننده ماهیت د ولتها و احزاب است . به تبع همین منطق بود که هر دو این جریانات اپورتونیستی یکی د ر قالب اتحادیه کمونیستها ود دیگری د رهبیت توده ای هاد بر برخورد با سیاست نه شرقی ونه غربی حکومت اسلامی به مشی واحد رسیدند و هر دو از مدافعین رژیم شدند . نه فقط مسئله شوروی ، بلکه مفاهیم عام راهرگز نمی توان جایگزین ارزشهای مشخص وسمت گیری روشن د ر مبارزه طبقاتی کرد . مبارزه طبقاتی همواره د ر بستری از وضعیت مشخص ود ر یک آرایش نبردهای طبقاتی معین میگردد و در نتیجه د ر صفحه ۱۵

بیرون کنید ولی خواست و مشی شما که د رهر منظره رود رو از زبانتان جاری میشود این است . د ر این میان باید به موضع حزب کمونیست کوهله اشاره کنیم که بیش از د یگران فرصت طلبی میکند و کتسر از د یگران بایبند به اصول د مکرسی است . این سازمان با وجود روند قهرقراضی که به سوی سوسیال د مکرسی طی میکند ، حتی از منشی یک سوسیال د مکرز در برخورد با مخالفین خود برخوردار نیست و باراه انداختن جنجالها و پیش گرفتن سیاست تحریم و بایکوت راه کارگر قدمه جای پای د وسال ونیم پیش " کمیته خارج جریان توکل " می گذارد . رهبری این حزب اکنون مدتی است د ر نشریات و نوشتارهای خود خط د رگیری و تشنج را تشویق میکند . مثل مقاله عبد الله مهتدی د ر نشریه کمونیست شماره ۳۱ (که علیه موضعگیری مادر رابطه با کسستن بایکوت سازمان فدائیان خلق فتوای منزوی کردن ما را داده است) پیش از این هم این نویسنده محترم به تشویق کردن خط د رگیری د ر کردستان تحت عنوان وظائف پرولتاریا کردستان مبادرت ورزید که نتایج تلخ آن هنوز از د من جنبش پاک نشده است . کمیته خارج از کشور این حزب نیز د ر د و اعلامیه جداگانه به تاریخ آوریل ۱۹۸۷ با عنوان طرفداران " حزب توده " و سازمان فدائیان خلق ایران را از صفوف کارگران بیرون کنید " تاکتیک مشخص " منزوی کردن " راهم طرح ریزی کرده د ستور حمله را داده است . اما چرا کمیته خارج از کشور حالا به فکر بیرون کردن توده ایها از صفوف کارگران افتاده است ، این یک مانور شناخته شده است که اولین بار بدست اقلیت بمورد اجرا گذاشته شد . اقلیت هم برای پنهان کردن بحران داخلی خود و بخصوص برای پوشاندن مشی سکنتاریستی خود از حمله به توده ایها آغاز کرد . شم برآگماتیستی به اینها چنین فهماند که گویا میتوانند زیر پوشش حمله به حزب توده که طبیعا مدافعی ند ارد خط انحرافی خودشان را جا بیندازند . ولی ما علیرغم هراتها می که بما وارد کنند با صراحت اعلام می کنیم این همان سیاست جما قدری است که اگر امروز د ر مقابل آن نایستیم فردا د من همه را خواهد گرفت . منظور از بیرون بیرون کردن طرفداران حزب توده و اکثریت از صفوف کارگران چیست ؟ کسی که از اقلیای فعالیت کمونیستی و مبارزه با گرایشات غیر پرولتری د ر صفوف کارگران کترین اطلاع را هم داشته باشد ، میداند که چنین فرامینی چقد غیر ممکن و بلهانه است . یک چنین د ستور العمل هائی فقط میتواند از د هنیت عقب ماند های نازل بشود که گمان میکند اپورتونیسم یک بقوله نفوذی است و سطح تکاملی جنبش کارگری و روند واقعی تکامل نظام سرمایه داری بستگی ند ارد . روش بیرون انداختن ، روش جما قدری است . روش کمونیستها برای حفظ خلوص صف و مبارزه پرولتاریا افشا و منزوی کردن مشی اپورتونیستی است . بنا بر این با تعریفی که کمیته خارج از کشور این

حادثه ۲۱ ژوئن د انشگاه فرانکفورت که با بی - حرصتی چند تن از هواداران حزب کمونیست کوهله و سازمان ایرانیان د مکرز به رفتاری ما آقا زوسپی به د رگیری میان د و تن از رفتاری ما همین افراد کشیده شد فرصت مناسبی فراهم کرد تا آن گروهها و کسانی که از فضای آرام سیاسی و افشاگریها و باحاثات متضررند و علاقمندند فحش و ناسازار باجای بحث روشنگرانه نشانند به کارشان ابعاد جهانی بدهند و آن محیط متشنجی را که بیش از یکسال است علیه رفتاری ما د ر د انشگاه فرانکفورت ایجاد کرده اند سراسری کنند . یک نگاه به اعلامیه های این جریانات (انجمن هواداران حزب کمونیست کوهله ، سازمان ایرانیان د مکرز ، اتحادیه هواداران مبارزه مسلحانه هم ستراژی هم تاکتیک ، هواداران سابق بیکار) برای هر خواننده بیطرف و بی غرضی بخوبی روشن میکند که در پس این هیاهو منافع ضد سوسیالیستی نهفته است و برپیشانی این گروههای لیبرال و پوپولیست و بعضایی هویت (هواداران سابق بیکار ، اتحادیه طرفداران مبارزه مسلحانه هم ستراژی هم تاکتیک) اید با خاطر پیشامد مذکور نیست . این اتفاق برای آنها فقط تا آن حد اهمیت دارد که به کمک آن بتوانند به مخدوش کردن چهره انقلابی سازمان ما بپردازند . باید به این گروهها خاطر نشان شویم که آزمون که از ما آزمون خطاست و از کسانی که بیکار این روشها را امتحان کردند و امروز سرشکسته از کرده خود انتقاد می کنند د رس بگیرند . مگر فراموش کرده اید که جریاتوکل باچه شور و حرارتی کوشید به خلق الله بیاوراند که راه کارگر اپورتونیست و متحد حزب توده است ، مگر یادتان رفته چه طرح و نقشه ها و د وز و کلکها بکار برد تا شاید ما را با وصله توده ای منزوی کند اما نتیجه چه شد ؟ چه ستاوردی جز انشعاب ، پراکندگی و انزوا عایدش شد ؟ پدیده است این وصله ها به ما نمی چسبند و تنها به شهادت مطبوعات سازمان ، حجم مبارزه اید تلوژیک ما علیه اپورتونیسم طیف توده ای ده بار بیشتر از مجموع نوشته های تمام گروههای چپ د ر این زمینه است . از این مسئله می گذریم . د ر آن جریانان چما قدری جریان توکل ، برای همگان بخوبی روشن شد که این تنها راه کارگر است که د ر برابر جماعت داری ایستاده و از آزادی بی قید و شرط سیاسی جانبداری میکند . ما تعرض فیزیکی به هر کس و میز کتاب هر گروه سیاسی اپورتونیست رژیم را محکوم کردیم و اعلام کردیم د و د اینگونه اقدامات ضد د مکرزاتیک (حتی اگر علیه حزب منغور توده هم باشد) به چشم کمونیستها خواهد رفت . برونده ما د ر این زمینه روشن است و با افتخار از آن یاد میکنیم . اما موقعیت شما اصلا قبل دفاع نیست زیرا سکوت شما د ر برابر سیاستهای چما قدری کمیته خارج از کشور جریان توکل راهم بیاد د ارد ، زرمه هلی شما برای بیرون کردن راه کارگر از د انشگاه فرانکفورت و رفتاری اتحادیه کمونیستتان د و هاید پارک لندن د ر گوشمان است . البته شما قادی رنستید راه کارگر از د انشگاه

بزرگداشت بیستمین سالگرد شهادت "بنواونه زورگ" در تظاهرات علیه سفر شاه

- ۱- فدوال و بزین غربی هواد ارسا زمان چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲- جریان انقلاب سوسیالیستی - برلین غربی
- ۳- پیکارگر برلین غربی
- ۴- هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی
- ۵- انتشارات اتحاد مبارزه
- ۶- کمیته کردستان برلین غربی
- ۷- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - برلین غربی

* در تظاهرات بزرگی که به ابتکار کنگد راسیون در دانشجویان و محصلین ایرانی در رخارج از کشتور ترتیب داده شده بود .

(۱) Alternativ Liste

و سیاسی آلمان فدوال و د ولت وقت ایران رانیز بر ملا ساختند .
بخش دیگر سخنرانیهایی بر جنبش اعتراضی در آلمان در رساله های ۸ و اشاره به نکات مثبت و منفی آن در ویریزد . سخنرانان در ضمن به چگونگی وضعیت کنونی ایران پرداختند و جنایتهای و تبعیضات حکومت اسلامی را محکوم و نیشز اشتباهاتی را که کم و بیش موجب قوام این رژیم شده است ، بر شمردند . سخنرانان در ولت آلمان رانیز بدلیل فشارهایی که به پناهندگان وارد می - کند ، محکوم کردند !
به همین مناسبت " کمیته ماهنگی نیروهای متوقی ایرانی " متشکل از نیروهای سیاسی زیربنا صد و راطلاعیه حمایت خود را از این گروه همآئسی اعلام کردند :
۱- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان

برلین غربی - روز سه شنبه ۲ / ۶ / ۸۷ -
دعوت AI (۱) به مناسبت بیستمین سالگرد مرگ دانشجوی آلمانی " بنواونه زورگ " (Beno Ohnesorg) یکگرد همآئی با شرکت بیش از هزار نفر در مقابل ساختمان اپرای برلین غربی برگزار شد . " بنواونه زورگ " دانشجویی است که بیست سال قبل هنگام بازدید شاه از برلین غربی (*) مورد اصابت گلوله پلیس مخفی آلمان قرار گرفت . در این گرد همآئی پروفیسور Gollwitzer از شخصیتهای مبارز ، بهمن نیرومند و نماینده ASTA (اتحاد یه دانشجویان) برلین غربی سخنرانی کردند .
سخنرانها ضمن بر شمردن نکاتی از چگونگی استقبال دولت و پلیس آلمان فدوال از شاه و توضیقاتی که پلیس برلین در ریح دانشجویان مبارز ایرانی رواداشت ، چگونگی روابط اقتصادی

ادامه از صفحه ۳

وضعیت ناپسامان آوارگان ایرانی در ...

کرد ه بود از طرف مسئول مربوطه آقای " کوشه تل " چنین جواب داده می شود : " یک نظامی باید برود و در جنگ شرکت کند . " پس از این مصاحبه ، وی در تاریخ ۲۶ / ۲ / ۸۷ مجبوره با زنگشت به ایران می گردد و تا کنون از سر نوشتش خبری نیست . پرونده فرد مذکور نیز در سازمان UN مفقود گردیده است .

در پاکستان یکی دیگر از سریل های عبوری نیز وضع بهترازین نیست . ارسال ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ متوسط ... نفر سالیانه وارد پاکستان شده و در هر سال ۷۰٪ آنان موفق می شدند خود را به کشورهای اروپائی و آمریکایرسانند . طبیعی است که در حال حاضر این ارقام بیش از پیش افزایش یافته است . تغذادی که بعقل مختلف و بویژه مشکلات مالی قادر نیستند از پاکستان خارج گردند ، مدت یک تا دو سال در پاکستان ماندگاری شوند . با وجودیکه روز بروز مهاجرت هموطنانمان توده های ترمی شود ولی با زهم جوانان بیشتری تعداد مهاجرین را تشکیل می دهند که به علت مشکلات سیاسی و فرار از جبهه مجبوره ترک وطن می گردند . اغلب آنان مجرد و بدون شغل و از لایه های میانی جامعه اند . ولی در میان آنان افراد شاغل و متأهل بویژه از جوانان بلوچ که قبلا به کشاورزی و دامداری و یا آموزگاری اشتغال داشتند نیز دیده می شوند .

تنها مرجعی که پناهندگان ایرانی در پاکستان به آن مراجعه می کنند ، سازمان UN است که از سال ۱۹۸۱ در رابطه با مهاجرین ایرانی آغاز رسه کار نموده است . این هیئت طبق مفاد و قوانین سازمان ملل می باید امنیت ، حقوق ، مسکن ، بهداشت و مهاجرت پناهندگان را جزو وظایف اصلی خود قرار دهد و در این رابطه کوتاهی و قصور نورزد . ولی سازمان UN اغلب وظایف خود را نیمه تمام انجام داده و در مواردی نیز کوچکترین گامی برنداشته است . UN تا کنون نتوانسته در برابر

حفظ امنیت پناهندگان سیاست قاطعی را در اعمال فشار به دولت پاکستان برای پذیرش رسمی و قانونی مهاجرین از سوی این دولت در پیش گیرد ، همچنین سازمان UN نتوانسته به اعمال فشار پلیس این کشور بر مهاجرین (که دارد به یک سیاست خطرناک و عمومی بدل می گردد) پایان دهد . در مورد مسئله مهاجرت به کشورهای دیگر ، که UN تاهمین اواخر علیرغم اعتراضات مکرر پناهندگان کوچکترین تلاشی از خود نشان نداده بود ، اکنون بطور غیرمنتظره بخشی از پناهندگان را که در ایام سابقه اقامت در پاکستان می باشند و از دریافت برگه مصاحبه برای مهاجرت خود داری نموده اند ، تحت فشار قرار داده و طی نامه های به این دست به پناهندگان - بخصوص آنهایی که بخاطر فعالیت سازمانی و سیاسی می خواهند در پاکستان بمانند - ارسال داشته و اعلام نموده که عدم تمایل این افراد برای مصاحبه ممکن است بخاطر این بوده باشد که آنان می توانند در پاکستان خود را از لحاظ مالی تأمین نموده و لذت های مایمل به رفتن به کشورهای اروپائی نیستند و از آنجائی که خود UN نیز قادر به کمکهای دراز مدت به پناهندگان از نظر مالی نمی باشد ، مقرری ماهانه پناهندگان را در صورت امتناع آنان از مصاحبه قطع خواهد کرد .

قطع مقرری ماهانه برای پناهندگان بویژه مهاجرین بلوچ مشقت بار است . سازمان UN طی مصاحبه ای با نماینده پناهندگان اعلام نموده که اقدامات اخیر بر اساس دستورات ژنرال صورت گرفته و سازمان UN که نمی تواند هزینه تعداد زیادی از پناهندگان را متحمل گردد ، مجبور است آنها را تحت حمایت دولت های جهان و بخصوص دولت اروپائی قرار دهد . سازمان UN در مقابل این سؤال که چرا پناهندگانی را که دواطلب مهاجرت به اروپا می باشند اعزام نمی کند ، پاسخ می دهد که : " مهاجرت بر طبق سابقه اقامت افراد برایمان اهمیت زیادی دارد ! " مقرری ماهانه مهاجرین در زمینه د و م سال ۴۰۰۰ از ۸۰۰۰ رومی به ۱۰۰۰ رومی افزایش

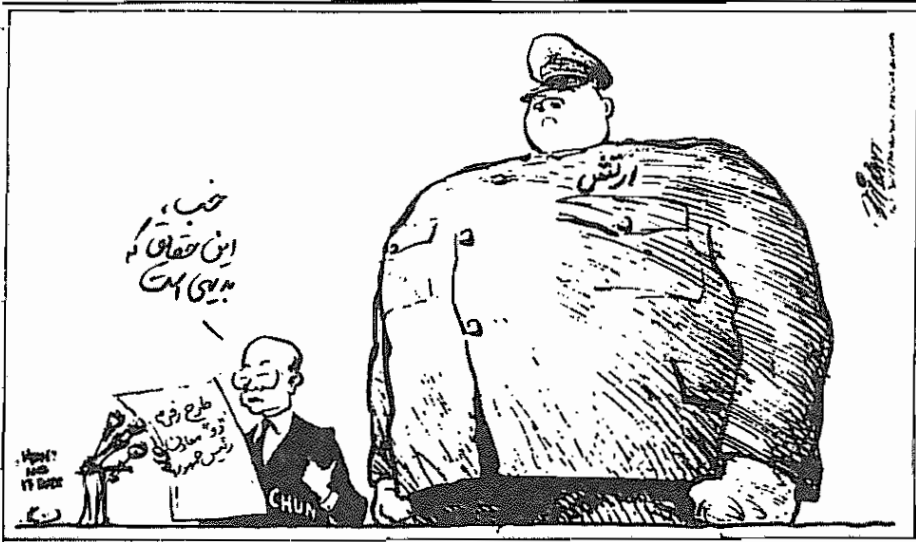
یافت . این میزان مستمری در رابطه با وضعیت اقتصادی و مشکل مسکن بسیار ناچیز است . UN در زمینه تأمین مسکن نیز کوچکترین جرکتی نکرده است . وضعیت بهداشت و درمان نیز بسیار بد است . UN ، در زمان با هزینه بالا رانمی پذیرد و مواردی هم که در زمان رابرعهده می گیرد ، به عنوان مختلف آنرا به تعویق می اندازد و بیمار در ماندن هراد و گیسر کاغذ بازی و اداره بازی می کند . مواردی پیش آمده که انتقال بیمار به اروپا ضروری بوده ولی UN از این مسئولیت شانه خالی کرده است ، در نتیجه چینی سهل انگاریهایی است که یک پناهنده دویکی از بیمارستانهای طرف معامله UN در پاکستان جان سپرد . پزشکان UN از توانائی لازم در امر طبابت برخوردار نیستند و قبل از هر چیز د فکر بر کردن جیب خود می باشند . بسیاری از پزشکان از بیماران خود بعنوان خوکچه آزمایشگاهی استفاده می کنند و وای به حال بیماری که سروکارش با چنین بی وجدانهایی بیفتد .

مهاجرین برای دریافت حقوق پناهنده گی باید از هفتخوان رستم بگذرند . UN از آنان کاملاً سؤال و جواب بعمل می آورد ، و اگر فرضاً شخصی در رگفتن تاریخ ها اشتباه کند که از نظر آنان تناقض تلقی گردد از رگفتن مقرری محروم می شود . از اغلب پناهندگان کارت شناسائی و برگه های هویت مطالبه می گردد و این موضوع مشکلات فراوانی را برای جوانانی که از سر باری قرار کرده اند ، بوجود می آورد . اکنون سیاست UN اینست که تا حد ممکن به مهاجرین کارت پناهنده گی ندهد و کارت سایر پناهندگانی را که تا کنون مقرری دریافت می کرده اند ، باطل کند ، که در این وضعیت بیشترین فشار را جوانان بلوچ متحمل می گردند . مجموع این فشارها ، دردوری از وطن ، تنهایی و در ماندگی پناهندگان هموطن باعث نزدیکی آنان به یکدیگر گردید و " شورای پناهندگان ایرانی در کراچی " محصول این هم پی بستگی و همدردی است . این شورا تا بحال حرکتها موفق متعددی را برای مقابله با انواع فشارها سازماندهی کرده و توانسته است با حمایت پناهندگان به یک نهاد مؤثر تبدیل گردد .

د هفته تظاهرات و د رگيريهای خيابانی که د رسول (پایتخت کره جنوبی) و ساير شهرهای آن کشور صورت گرفت ، اوج تازه بحران زمين کره - جنوبی است که دوباره سر بر می آورد . اهمیت بحران اخير را این است که رژیم د یکتا توری اکنون د رنا مساعد ترین شرایط سیاسی قرار گرفته و اوضاع داخلی و بین المللی به آنها اجازه سرکوب شدن د جنبش و تکرار تبهکاریهای مشابه جنایت فجیع کشتار ماه ۴۰۱۹۸۰ د شهر " کوانگجو " رانمی - د دد .

کره جنوبی از جمله چند کشور معدود با اصطلاح جهان سومی است که بعنوان مدلهای توسعه سرمایه داری د کشورهای توسعه نیافته ، مورد توجه ویژه سیستم جهانی امپریالیستی قرار د آرند . د راین میان کره جنوبی سرآمد همگان خود چون برزیل ، ایران ، مکزیک و آرژانتین و . . . بوده است چرا که بنا به استناد ارد های توسعه سرمایه داری و بسته به امپریالیسم ، به تمامی اهداف خود نزد یک شده است . روند چنین توسعه ای د کره جنوبی که بر نیروی کار و رزاق طبقة کارگر کرده و توده های زحمتکش استوار است ، اگر چه کیسه های سرمایه داری را انباشته کرده و از این جهت سرمایه داری و بسته آن د ر میان رقبا به کسب مدال طلا دست یافته اما جز فزونی برای کارگران و زحمتکشان و سرکوب و اختناق سیاسی برای کل جامعه کره جنوبی دستاوردی نداشته است . د یکتا توری عریان که شکل تقریباً عمومی حکومت این نوع کشورهای وابسته بوده است ، بیش از ۲۰ سال است که به خشن ترین شیوه د راین کشور اعمال می - گورد . د ر مقابل آن اکثریت گروههای اجتماعی خصوصاً کارگران ، جوانان و دانشجویان همیشه به مخالفت و اعتراض برخاسته اند که د ر موافقی به شوروشهای وسیع مانند ماجرای کوانگجو د رسال ۱۹۸۰ ، که این شهر کاملاً به تصرف جوانان د ر آمد ، منجر گردید است .

امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ، از چندی پیش برای مقابله با بحرانهای این کشورها که د نمونه ای از ان قیام بهمین انقلاب گذشته ایران را پیش آورد به روند جایگزین کردن د ولتهای



کره جنوبی: اوج مجدد بحران

جمهوری د یکتا توری آنها ، او ا تمام سمت های خود استعفا خواهد داد . موضعگیری رهبر لیبرالها د ر مقابل این حرکت جالب توجه است او اعلام کرد که این برنامها قراترا ز خواستهای حزب شان بوده و او را شگفت زد ه کرده است . اگر برای ذهن علیل لیبرالها شگفتی آورا است ، برای جناحهای مسلط امپریالیسم و سرمایه داری د کره که می د انند با چه آتشی بازی می کنند ، جای هیچ تعجبی وجود ندارد . چرا که د کره جنوبی با یک طبقه کارگر وسیع و بزرگ روبرو هستند . اگر چه هنوز طبقه کارگر با آرایش و توان کافی به میسد ان نیامده است اما سرمایه داری امپریالیستی که نمونه بحرانهای مشابه د کشورهای دیگر را دیده است ، از عاقبت کار د کشوری که وسعت طبقه کارگر د ر آن بیشتر از کشورهای مورد اشاره نیز می باشد ترس بسیار دارد .

شبه لیبرالی بجای این د یکتا توری های عریان دست زده است . حرکتی که اصطلاحاً آنرا " فلیپینیزه " کردن می گویند . ریگان می گوید " جریان د مکرسی د ر جهان رویه پیش روی است و کره جنوبی باید یک نمونه برجسته آن باشد . معاون وزیر خارجه آمریکا اخیراً به سئول سفر نمود تا " چون د هوان " د یکتا توری و اد ا ر به پذیرش رفرم سیاسی نماید . اگر چه هنوز بحران لا ینحل د اند اما تأثیرات توازن داخلی و اعمال نفوذ برنامها امپریالیسم تأثیر خود را بجای گذا رده و د ر میان حزب حاکم عدالت د مکراتیک شکاف انداخته است . جانشین رئیس جمهور و رئیس حزب حاکم یعنی " رو تا - وو " پلانفرم خود برای رفرم سیاسی را اعلام کرده که شامل انتخاب مستقیم رئیس جمهور ، آزادی زندانیان سیاسی ، لغو سانسور و رفع محدودیت بر آقای " کیم یونگ " رهبر اپوزیسیون لیبرال میباشد و تهدید ند نمود که د ر صورت عدم موافقت رئیس

اداره صفحه ۱۳

آب را گل نکند!

انقلابیگری نیز د رهمن رابطه معنا پیدا میکند . لیکن برای این جریانات ضد سوسیالیستی اینها بی معنا است و دقیقاً ز روی همین د یدگاه بخوبی معلوم میگردد که خصومت اینها با توده های هابا اید ا ربطی به خیانت ها و جناحیت های توده ایها علیه مبارزین و مبارزه طبقاتی د ر ایران ندارد . و ایراد این آقایان به حزب توده به خاطر وابستگی این حزب به شوروی است . یعنی محتوای واقعی سیاست این گروهها قراترا ز ناسیونالیسم بورژوازی نمی رود . تفاوت اساسی مخالفت ما با آنها د ر رابطه با حزب توده نیز از همین جا است ، دشمنی آنها با حزب توده از د رجه تنگ ناسیونالیستی است ولی ما روزه های خود را از اپورتونیسم حزب توده بر زمینهای از مبارزه طبقاتی جدا و مشخص میکنیم . این حقیقتی است که آنها قاتر به د ر آن نیستند . بهمین خاطر نمی توانند د ر ه ژرف میان سیاست ما

این نیشترها د یگر بر بیکر ما اثر ندارد ، ما همچون گذشته برابر مخالفین سیاسی مان از حربه مبارزه ایدئولوژیک و بحث و ا قناع سود می جوئیم . آموزش ما به اعضاء و هواداران مان این است که با اخلاقی صبورانه و د رعین حال قاطعانه روزه های چماق - داری را افشاء کنند و عناصری را که صراحتاً به فحاشی می پرد ازند با یکوت و طرد نمایند . رفقای مان نباید تن به د رگیری فیزیکی بدهند هر چند که هدف این نیروها غیر قابل تحمل کردن محیط برای ما باشد . روشن است که این روش صبورانه تا آنجا معنا دارد که طرف مقابل به د رگیری فیزیکی متوسل نشود .

حزب توده د ر برخورد با رژیم اسلامی و مبارزه طبقاتی د ر ۸ سال گذشته ایران را ببینند و بنا بر این به این سطح مبتذل د رمی غلطند که تفاسوت راه کارگر باتوده های هافقط د ر اینست که راه کارگر د ستش بخون مبارزین آلوده نشده است . آری کسانی که د ر چنین موضع تنگ خنلرانه بورژوازی قرار د آرند نمی توانند مد افع پیگیر آزادی های بی قید و شرط سیاسی باشند و نمی توانند ببینند که سا زمانی مثل سا زمان ما هر روز د ر مقابل چشمشان رشد میکند و نفوذ معنوش گسترش می یابد . پس باید به هرنحو ، باد روع و تهمت و هیا هو ، فحاشی و حتک حرمت به ا رزشهای آن با اصطلاح چهره راه کارگر را بیالایند . تعهد ما به د مکرسی بی قید و شرط سیاسی ولی نیرومند ترا ز انست که د برابر این تحریکات که صد البته د ر آینده شد ید ترهم خواهد شد از خود تزلزل نشان د هیم . ما احتیاجی به چماقداری و روش های قلد ر ما بانه ند اریسم . قدرت ما به استحکام نظری و تشکیلاتی مان است .

با پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!

اطلاعیه

بد نبال ناپدید شدن آقای حمید بهمنی (چیتگر) مسئول دفتر حزب کار ایران در راج از زکسورد و تاریخ ۱۹ ماه ۸۷ که موحی ازنگرانی در میان اپوزیسیون ترقیخواه برانگیخت، اخیراً روزنامه کوریوچاپ وین به تاریخ ۱۹ ژوئیه ۸۷ خبرتکان دهنده و دردناک قتل ایشان را بدست یک گروه تروریست حرفه‌ای منتشر کرده است. روزنامه مذکور گزارش میدهد که جسد خون‌آلود مقتول را که متعلق به بیست و روز قبل از این تاریخ می‌باشد در خانه‌ای در منطقه شهرویی - یافته‌اند. بنا به تشخیص پلیس این عمل جنایتکارانه توسط یک گروه حرفه‌ای تروریستی صورت گرفته است.

دیگر تردیدی نیست که این عمل جنایتکارانه بدست عمال مزدور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی انجام گرفته است. و مسلم است که این جرثومی از نقشه ترور مبارزین و شخصیت‌های مخالف رژیم خمینی است که از زمان تها پیش توسط تروریست‌های این رژیم در راج از زکسورد نبال می‌شود. نیروهای انقلابی باید با هوشیاری بیشتری به این برنام‌های تروریستی برخورد کنند. نباید بگذاریم رژیم‌آسانی و بادست با زهشکار مبارزین ببرد آزد.

ماشهادت حمید بهمنی (چیتگر) را به سازمانش و هیئزه خانواده دردمندش تسلیت می‌گوئیم.

پیام کارگر

سخنرانی در هامبورگ

به دعوت هواداران سازمان در شهر هامبورگ (آلمان فدرال) یک جلسه سخنرانی تحت عنوان "سیاست ائتلافی ما" در تاریخ جمعه ۲ ماه ژوئن ۸۷ برگزار شد. هدف از برگزاری این سخنرانی توضیح سیاست ائتلافی سازمان و بطور خاص پلان تفرم‌های جنبه د مکراتیک و ضد امپریالیستی "و جنبه واحد کارگری" بود.

در بخش نخست برنامه پس از یک دقیقه سکوت بخاطر شهید ای قهرمان راه آزادی و سوسیالیزم، رفیق سخنران طی بحث میسوطی نظرات سازمان ماحول اصول سیاست ائتلافی کمونیستها، بررسی شخص از مناسبات طبقاتی در ایران و سیاست ائتلافی سازمان را تشریح کرد. پس از یک استراحت کوتاه، نوبت به سوالات کتبی و شفاهی حاضران در جلسه رسید که طی آن به سوالات و ابهامات در وستان و رفقای حاضر پاسخ داده شد. این قسمت از برنامه متأسفانه بععلت کمبود وقت بطور کامل برگزار نشد و جلسه در فضای گرم و رفیقانه‌ای خاتمه یافت.

نمایشگاه از فجایع جنگ

روژشنبه ۱۴ / ۶ / ۸۷ بهایتکار رفقای مادر آلمان - برلین غربی، نمایشگاه عکس برگزار گردید. این نمایشگاه از سوی مرد همپوزده جوانان - مورد استقبال قرار گرفت. در جریان دیدار مسرد ما از نمایشگاه، رفقای ما تعداد زیادی از عکسها درجست محکوم کردن صدور اسلحه به رژیم ایران جمع‌آوری کردند.

یاد رفیق

حمید اشرف گرامی باد!

هشتاد و نه سال مصادف است با یاد همین سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف در روزهای جنبش انقلابی ما. رفیق حمید اشرف در طول حیات سیاسی خویش که به یک دهه زندگی مخفی و جنگ و گریزها، مزدوران دشمن سرهیزد، لحظه‌ای از بیوفایی با زناستاند. بارها تله دشمنان را خنثی کرد و با تحرک و جسارت غیر قابل وصفی تلاش مزدوران شاه را ناکام ساخت و نمونه‌های ارزنده‌ای از شادت و قهرمانی را بیادگار گذاشت. در پی انجام یک رشته اقدامات پلیسی و اجرایی طرح تعقیب و مراقبت گسترده، مزدوران ساواک به‌گاد رهبری سچفخاد دست یافتند و در یک درگیری نا برابر رفیق حمید اشرف و یاران هم‌زمینش بشهادت رسیدند. هضریه هشت تیروزضریات ارد بیبهشت ماه‌ها نسال برای سچفخاد که رهبری و کاد رهسای برجسته‌اش را از دست داد، ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر بوجود آورد. خلاصه‌هیری انقلابی، فرصتی برای اپوزیونیست‌های راست فراهم آورد تا با قبضه مواضع کلیدی سچفخا، از قهرمانی رفقای چون حمید اشرف و... پشتوانه‌ای برای سیاست‌های بغایت ارتجاعی و راست روانه خود نمیکند. انا سنت قهرمانانه آن رفقا با وجود غلبه اپوزونیسم و سازشکاری در سچفخاد رگستره وسیعتری توسط هزاران کمونیست رزمجود و عرصه‌های گوناگون نبرد با رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان گاه‌های آن. بخوبی پاسداری شده است.

در سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف و رفقای همسنگرش یاد آنان را گرمی داشته و خصا - برجسته انقلابی و جانبا ری آنان را در راه‌های کارگران و زحماتشان ارج مبی نهیم!

برای تماس با سازمان راج از زکسورد، با شماره‌های ۲۱۶۹۶۱۴ - ۳۰ - ۴۹ در برلین غربی تماس بگیرید. بد لیصل کنترل مکاتبات تلفنی با راج از زکسورد توسط رژیم اسلامی، مطلقاً صحت هیچ فرایندی از اخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود.

پس از یک دوره برنامه آزمایشی

صدای کارگر

رادپوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه‌های خود را از اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶) رسماً آغاز کرده است. صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگاهرتز پخش می‌گردد.

برنامه هر شب، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می‌گردد.

برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می‌شود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگرددعوت نمائید!

ALIZADI B.P. 195 75564 PARIS - CEDEX 12 FRANCE	آدرسی پیام کارگر	POSTFACH 650226 1 - BERLIN 65
---	------------------	-------------------------------------